

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت اول ماه مه (روز کارگر)

کارگران و زحمتکشان ایران!
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با گرم ترین درودها، روز کارگر، روز همبستگی جهانی زحمتکشان را به شما رزمندگان پیگیر راه آزادی، استقلال، صلح و سوسیالیسم، شادباش می گوید.
اول ماه مه تجلی گر همبستگی رزم جویانه محرومان زمین در پیکار علیه همه مظاهر محرومیت، علیه استثمار و ستم، تبعیض و نابرابری، فقر و گرسنگی، جهل و تاریک اندیشی و استثمار و نژادپرستی است. درفش اول ماه مه را که از حرکت پیش تازنده اردوی کار، موج است، در امتزاز نگهداریم و سنت گرانقدر همبستگی بین المللی رنجبران را وفادارانه پاس بداریم.
در جهان سوسیالیسم، امروز کارگران و تمامی خلق، آرمان اول ماه مه را با بازشناسی و به بقیه در صفحه ۲

کارگران و زحمتکشان ایران!
کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با گرم ترین درودها، روز کارگر، روز همبستگی جهانی زحمتکشان را به شما رزمندگان پیگیر راه آزادی، استقلال، صلح و سوسیالیسم، شادباش می گوید.
اول ماه مه تجلی گر همبستگی رزم جویانه محرومان زمین در پیکار علیه همه مظاهر محرومیت، علیه استثمار و ستم، تبعیض و

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۸ برابر با ماه ۱۹۸۹
بمابعد ۲۵۵ شماره ششم سال ششم



صدسال همبستگی صدسال رزم همبسته

روز حرکت سپاه بی شمار کار، روز نمایش بالندگی نیروی کار و زحمت، روز خروش شورانگیز برای دنیایی صلح آمیز و عادلانه، اول ماه مه روز جهانی کارگر خجسته باد!

صد و سه سال از اعتصاب کارگران شیکاگو که در روز اول ماه مه سال ۱۸۸۶ به نبردی سهمگین با ارتش سرمایه و جان باختن تعدادی از کارگران انجامید و صدسال از اعلام این روز، توسط نخستین کنگره بین المللی دوم، به عنوان روز همبستگی بین المللی کارگران میگذرد. دستاوردهای این قرن همبستگی بر تارک تاریخ مبارزات طبقه کارگر و تاریخ بشریت نشسته اند. پیروزی انقلاب سوسیالیستی ابتدا در کشور شورما و سپس در ۱۴ کشور دیگر، ایفای نقش بی بدیل در غلبه بر فاشیسم، نبرد دوشادوش با ملل تحت ستم در راه رهایی ملی آنها از قید ستم و استثمار و پیشبرد مبارزه های راسخ برای صلح و بقای بشریت بر سرلوحه درخشان پیروزیهای طبقه کارگر در این صدسال قرار می گیرند. این همبستگی و فتوحات حاصل از آن، آسان بدست بقیه در صفحه ۷

روز همبستگی جهانی کارگران گرامی باد!

در این شماره

- ✦ رژیم ولایت فقیه و نفی ولایت در صفحه ۳
- ✦ حفظ محیط زیست فاجعه پشت دراست در صفحه ۱۰
- ✦ پیشگامان جنبش سندیکایی ایران در صفحه ۸
- ✦ "اروپا را به گونه ای دیگر بنا کنیم!" در صفحه ۱۲

سنگسار یازده انسان در استادیوم بوشهر

حاکم شرع و رئیس کل دادگستری های فارس و بوشهر در یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد ۱۷ نفر را به جرم فحشا اعدام کرده است. خبرگزاری ها نیز خبر سنگسار ۱۱ نفر را در استادیوم بوشهر در برابر هزاران نفر که تماشاگر این صحنه وحشیانه بودند پخش کرده اند.
سنگسار! سنگسار انسان! سنگ و تمدن!
سنگسار بشریت.

داستان جنایت های جمهوری اسلامی، هر لحظه در گوشه ای از ایران و هر بار به گونه ای تکرار می شود. کشتار فردی و جمعی در زندان ها، تجاوز به زنان و دخترانی که "اسیر حربی" محسوب می شوند؛ به قتل رسیدن کودکان خردسال در راه مدرسه و ده ها جنایت دیگر، از وقایعی است که بارها و بارها در ایران تکرار می شود.

سنگسار یعنی توهین به مقام انسانیت؛ توهین به انسانیت انسان در برابر هزاران چشم به حیرت فرورفته. سنگسار یعنی بازگشت به بربریت، یعنی تف کردن به تمدن انسانی.
بقیه در صفحه ۳

جمهوری اسلامی برای ارتکاب جنایات خود سلاح ها، ابزار و شیوه های گوناگونی به کار میبرد؛ جوخه های اعدام، چوبه های دار، شکنجه های قرون وسطایی، ... و از همه شنیع تر، از همه وحشیانه تر و پلیدتر، شیوه سنگسار انسان ها است.

جمهوری اسلامی در صدر جنایتکاران

در صفحه ۳

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت اول ماه مه (روز کارگر)

بقیه از صفحه ۱

کارگیری ظرفیت های درونی سوسیالیسم و تلاش در راه نوسازی و تعمیق دموکراسی سوسیالیستی، پاس می دارند. اول ماه مه در جهان سوسیالیسم، جلوه گاه گسترده ترین و ثمربخش ترین همبستگی ها برای سوسیالیسم بیشتر است.

در دنیای سرمایه داری، دهها میلیون کارگر زحمتکش، تحت رهبری احزاب چپ و اتحادیه های کارگری، با تجدید میثاق در مبارزه به خاطر صلح، دموکراسی و سوسیالیسم، آرمان اول ماه مه را گرامی می دارند. در میهن ما ایران نیز، هلیرقم سیطره استبداد مذهبی، پرچم اول ماه مه، به نشانه ایستادگی و نبرد شما زحمتکشان در برابر بیداد و بهره کشی، و جهل و تاریک اندیشی، همچنان در اهتزاز است.

کارگران و زحمتکشان!

اول ماه مه امسال در شرایطی برگزار میشود که هوارض فاجعه بار جنگ هشت ساله ایران و عراق، با تمام ثقل خود بر زندگی تان فشار می آورد. بیکاری وسیع، گرانی کمر شکن و دیگر مظاهر بحران همیق اقتصادی رژیم، همچنان و بیش از همه بردوش شما زحمتکشان سنگینی می کند. رژیم خمینی هلیرقم قطع ناگزیر جنگ، از رفع حالت بسیج جنگی در کشور امتناع کرده و با گرفتار کردن جامعه در شرایطی پرخونی "نه جنگ، نه صلح"، دستیابی به صلح پایدار و بازسازی اقتصادی کشور را مختل کرده است. برای پایان دادن به شرایط "نه جنگ، نه صلح" و استقرار صلح پایدار مبارزه کنید.

رژیم تبهکار خمینی پس از پذیرش ناگزیر صلح در تابستان ۶۷، بلافاصله جنگ دیگری را علیه مردم تدارک دید و فاجعه ملی دیگری را با کشتار زندانیان سیاسی کشور پدید آورد. صدها تن از پیگیرترین رزمندگان راه آزادی و بهروزی مردم، شمار کثیری از برجسته ترین نمایندگان و رهبران طبقه کارگر و فعالین پر سابقه جنبش سندیکایی کارگران ایران در زندان های جمهوری اسلامی تیرباران شدند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به خاطر هر پر فروغ رفقای شهید، کارگران قهرمان، بندهای مرادپور، عباس جعفری، توفیق وثوقی، سهیلا درویش کهن، هلی اصغر ضیفی، حسین قاسم نژاد و دیگر کارگران شهید درود می فرستد. بی شک پایداری قروور انگیز و قهرمانانه آنان الهام بخش همه رزمندگانی خواهد بود که در راه آرمان های طبقه کارگر و بهروزی بشریت پیکار می کنند.

کارگران مبارز!

رژیم خمینی، رژیم ترور و اختناق، رژیم سرکوبگر آزادی های سیاسی و سندیکایی و پایمال کننده ابتدایی ترین حقوق دموکراتیک مردم میهن ماست. ترور و اختناق، شکنجه و اعدام، سرکوب سازمانهای سیاسی، انحلال سندیکاها و شوراها، سانسور مطبوعات، تفتیش عقاید، ترویج خرافه و جهل، تبعیض و تمیلات ارتجاهی علیه زنان، اقلیت های ملی و مذهبی و کشتار خلق های تحت ستم سیاهه های از دهسال تبهکاری این رژیم آزادی کشور مردم ستیز است.

شما کارگران آماج مقدم سرکوبگری رژیم و ذینفع ترین نیرو در مبارزه علیه ولایت فقیه هستید. علیه سرکوب و اختناق، علیه خود کامگی رژیم آخوندی، به خاطر تامین آزادی های سیاسی و سندیکایی مباره کنید. برای آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، و دیگر آزادی های فردی و اجتماعی، برای حق اعتصاب، حق ایجاد و یا عضویت در تشکلهای سیاسی و دموکراتیک، متحد شوید و مبارزه کنید.

کارگران مبارز!

قانون کار مصوب مجلس هلیرقم پذیرش بخشی از حقوق صنفی - رفاهی کارگران، برخی از اساسی ترین حقوق صنفی و سیاسی از قبیل حق کار و امنیت شغلی، حق ایجاد آزادانه تشکلهای صنفی مستقل و حق اعتصاب را پایمال کرده است.

ماده ۲۷ این قانون، همانند ماده ۳۳ قانون کار زمان شاه، امنیت شغلی را از کارگران صلب کرده و دست کارفرما را در اخراج کارگران کاملاً باز

گذاشته است. همچنانکه برای لغو ماده ۳۳ قانون کار شاه به پا خاستید، برای لغو این ماده و پایان دادن به اخراج های خودسرانه نیز متشکل شوید و مبارزه کنید.

رژیم خمینی، شما را از حق انتخاب آزادانه نمایندگان واقعی خود محروم کرده و پس از سرکوب و انحلال سندیکاها و شوراهای تان، تلاش کرده است قانون ارتجاهی شوراهای اسلامی کار را همراه با انتخاباتی فرمایشی بر شما تحمیل کند. علیه مداخله دولت و کارفرمایان در انتخاب نمایندگان کارگری مبارزه کنید. قانون کار باید حق شما را در تشکیل آزادانه تشکلهای صنفی و دموکراتیک به رسمیت بشناسد.

قانون کار مصوب مجلس، همچنین شما را از حق اعتصاب محروم کرده و در مقابل، دست دولت و کارفرمایان را رسماً و عملاً در سرکوب اعتصاب باز گذاشته است. قانون کار باید حق اعتصاب کارگران را به رسمیت بشناسد و تصریح کند که دولت و کارفرمایان به هیچ صورت اهم از تنبیه، جریمه، اخراج، بازداشت و غیره، حق انتقام جویی را ندارند. برای تامین حق اعتصاب مبارزه کنید.

رژیم آزادی کش و کارگر ستیز خمینی، در قانون کار مصوب مجلس، انجمن های اسلامی را نیز به عنوان تشکلهای کارگری معرفی کرده و مذبحخانه می کوشد انجمن اسلامی را که در واقع انجمن جاسوسی است، به شما تحمیل کند. گنجاندن این ارگان خبرچینی و تفرقه افکنی، این ارگان پرونده سازی و اعتصاب شکنی در قانون کار، اهانتی است آشکار به ساحت حقوق کار کارگران. برای انحلال این لانه های پلیسی رژیم در همه واحدهای تولیدی و خدماتی و حذف آنان از قانون کار مبارزه کنید.

کارگران مبارز و آگاه!

رژیم جمهوری اسلامی یک سال و نیم پس از آن که قانون کار اسلامی اش را در مجلس به تصویب رسانده، امروز با این دستاویز که "اجرای آن برای دولت مستلزم تحمل بار مالی سنگین خواهد بود و سرمایه داران نیز با وجود این قانون، سرمایه هایشان را در هرزه های تولیدی به جریان نخواهند انداخت" سعی دارد همین قانون عقب مانده و قیر دموکراتیک را نیز مسخ کند. به همین خاطر "مجمع تشخیص مصلحت نظام" از تصویب نهایی آن سر باز زده و آن را به مجلس و شورای نگهبان هودت داده است. این اقدام، بیش از پیش حساسیت رژیم آخوندی را در پاسداری بی خدشه منافع سرمایه داران فارتگر، نمایان می سازد. رژیم خمینی با این اقدام در همین حال می کوشد، با تاکتیک "گرفتن به مرگ برای رضی کردن به تب"، شرایط را پدید آورد که طبقه کارگر ناگزیر شود در انجام به همین قانون کار مصوب مجلس رضایت دهد. کارگران آگاه و مبارز باید این توطئه های ضدکارگری را وسیعاً افشا کنند.

کارگران پیشرو و آگاه!

مبارزه کارگران را برای پایان دادن به شرایط جنگ، نه صلح و تامین صلح پایدار، سازمان دهید. علیه سرکوب آزادی های سیاسی و سندیکایی، علیه بازداشت، سرکوب، شکنجه و اعدام آزادیخواهان و رهبران جنبش کارگری اعتراض کنید. برای نجات جان زندانیان سیاسی و آزادی آنها پیکار کنید.

بسیج و سازمانگری توده کارگران حول مطالبات اساسی و مبرم صنفی و سیاسی وظیفه مرکزی شما است. هسته های مخفی کارگری را به ویژه در واحدهای کلیدی و صنایع بزرگ سازمان دهید و از همه امکانات فعالیت هلی برای جذب توده کارگران و تدارک تشکلهای صنفی مستقل استفاده کنید. ضوابط ضد دموکراتیک قانون شوراهای اسلامی کار را افشا کنید، مبارزه کارگران برای برگزاری انتخابات آزادانه تشکلهای صنفی را سازمان دهید. اعتراض کارگران علیه ماده ۲۷ را متشکل کنید. تشبیهات بیشتر مانده خمینی، سرحدی زاده و دیگر سران هوام فریت رژیم در توجیه ضرورت ریاضت کشی کارگران و هدم مطالبه افزایش دستمزدها را پیگیرانه افشا کنید. برای افزایش سطح حداقل دستمزد، بهبود وضعیت تعاونی های

بقیه در صفحه ۱۳

رژیم ولایت فقیه و نفی ولایت

به دنبال برکناری منتظری از جانشینی خمینی رژیم ولایت فقیه با تمام شتاب در تدارک است تا هر چه زودتر قبل از مرگ خمینی مساله جانشینی وی و جنگ قدرت در حکومت رابه سرانجام رساند . پس از کنار نهادن منتظری، خمینی به مجلسیان و شورای عالی قضایی تکلیف کرد از وی بخواهد تا هیاتی را برای تغییر قانون اساسی تعیین کند. همانگونه که در شماره های گذشته نشریه ذکر شد، از سوی ۱۶۶ تن از نمایندگان مجلس و شورای عالی قضایی نامه هایی برای خمینی ارسال شد و در آنها تعیین هیاتی جهت تغییر قانون اساسی در راستای تعیین رهبری، تمرکز قدرت در قوه مجریه و برخی تغییرات در مواد مربوط به قوه قضائیه و رسانه های گروهی خواسته شد. خمینی مجلس خبرگان را هلیترقم و وظیفه ای که سنتسا در این زمینه در جمهوری اسلامی برعهده داشته است، از نظر ترکیب، نامطلوب دانست. ترکیبی که خمینی برای هیات تدوین اصلاحیه قانون اساسی در نظر گرفته است تا حد زیادی اهداف و سمت و سوی تغییرات مورد نظر را روشن می کند. طی هفته گذشته خمینی ۲۵ نفر را به عنوان اعضا هیات تغییر قانون اساسی و تدوین متمم آن تعیین کرد.

قرار است این جمع طرح تغییرات راتحیه کند تا پس از تایید خمینی، در نمایشی به نام فراندم به آن رسمیت داده شود. ترکیب هیات مزبور به این ترتیب توسط خمینی تعیین شده است که بر مسئولین قوای سه گانه (رفسنجانی، خامنه ای و موسوی اردبیلی)، برخی اعضا مجلس خبرگان و اعضا مجمع تشخیص مصلحت، ۵ تن از نمایندگان مجلس افزوده شوند. این ۵ نفر عبارتند از حسین هاشمیان، نجف قلی حبیبی، هادی خامنه ای، عباسعلی امیر زنجانی و اسدالله بیات.

موسوی نخست وزیر در هفته گذشته از طرح انحلال پست نخست وزیری پشتیبانی کرد و اعلام داشت که این طرح مبتنی بر هدم تعدد مراکز قدرت بوده باعث تسریع در تصمیم گیری ها خواهد شد. ظاهرا اکنون بحث ها و

کشمکش ها در جمهوری اسلامی بر سر تعیین یک شورای رهبری و یا یک فرد به عنوان جانشین ولایت فقیه متمرکز شده است. تناقضی که رژیم با آن مواجه است این است که از سویی در سلسله مراتب آخوندی امکان تعیین فردی به عنوان جانشین ولی فقیه با کارکردی همچون خمینی وجود ندارد از سوی دیگر تعیین یک شورای رهبری خود تشدید کننده بحران دوایر قدرت در جمهوری اسلامی بوده و خلاف روند تمرکز قدرت و تصمیم گیری هاست که مقامات رژیم در پاسخ به بحران همه جانبه بویژه در شرایط مرگ خمینی به آن نیاز دارند.

موسوی خوئینی ها در مصاحبه با کیهان ۳۱ فروردین که با درشت ترین تیترها در صفحه اول بازتاب یافت، تاکید کرده است که تردید ندارد "رهبری جامعه به صورت شورایی یک فاجعه است"، وی در این مصاحبه اعلام کرده است که در هرصه هایی که قرار است در قانون اساسی تغییر داده شود می بایست هدف هر چه متمرکز کردن قدرت مد نظر قرار گیرد و بر این اساس تاکید می کند که پست نخست وزیری می بایست حذف شود و مسئولیت های آن به رئیس جمهور منتقل شود، دستگاه قضایی دارای یک رئیس قوه قضائیه به عنوان هایترین مقام آن باشد و رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل فقط سمت قضایی داشته باشند، تعداد نمایندگان مجلس اسلامی کاهش یابد و مسئول واحدی برای صدا و سیما در نظر گرفته شود. موسوی خوئینی ها به عنوان یکی از عناصر با نفوذ جناحی که در برکناری منتظری و وقایع اخیر مواضع خود را تقویت کرد در این مصاحبه خود بر ضرورت تفکیک رهبری از مرجعیت تاکید کرده و در پاسخ به این سوال که آیا این به معنی جدایی دین از سیاست نیست می گوید: "به اعتقاد بنده اصلا منطقی نیست که کسی بگوید شرط رهبری مرجعیت است... آیا شرط رهبری مرجعیت است یا (می تواند) یک اسلام شناس در سطح عالی و به تعبیری مجتهد باشد." قبل از برکناری منتظری، برای وی این نقش در نظر گرفته شده بود که به عنوان رهبر اسمی و ظاهری

در صحنه باشد و دولتمردان راز نصاب خود بهره مند کند و رفسنجانی و دیگران کار شاق حکومت کردن را برعهده گیرند اما منتظری با تن ندادن به برخی سیاست های خمینی از ایفای این نقش استنکاف کرد. بعدا تلاش بر این قرار گرفت که همین نقش به یک شورا سپرده شود شورایی که هملا تنها نقش مشورتی داشته باشد. در سر مقاله روزنامه اطلاعات در روز ۶ اردیبهشت در زمینه "حل مساله رهبری" پیشنهاد شده است که رفسنجانی به عنوان رئیس شورای مرکب از جمعی از بزرگان مذهبی و سیاسی تعیین شود و رفسنجانی در مقام رئیس این شورا حق وتوی تصمیمات آن را داشته باشد. در روز سه شنبه ۵ اردیبهشت نیز اولین جلسه هیات بررسی و تدوین متمم قانون اساسی تشکیل شد رئیس این جلسه، مشکینی و نواب آن رفسنجانی و خامنه ای بوده اند. آنچه که از شواهد می توان استنتاج کرد این است که چه یک هیات به عنوان شورای رهبری برگزیده شود و چه "یک اسلام شناس در سطح عالی و به تعبیری مجتهد" به عنوان رهبر برگزیده شود هر دو معنای واحدی دارند و آن اینکه نظام ولایت فقیه هملا به نفی ولایت فقیه پرداخته

سنگسار یازده انسان...

بقیه از صفحه ۱
هفته گذشته، در استادیوم بو شهر یازده انسان را تا کمر در خاک فرو کردند، و با سنگهایی که شرح منور اندازه شان را تعیین کرده است، کیودشان کردند، زجرکششان کردند. یازده انسان را در برابر چشمان هزاران تن با سنگ هایی که نباید آنقدر بزرگ باشند که زود قربانی را خلاص کنند و نه آنقدر کوچک که آسیبی به وی نرسانند، به قتل رساندند.

جمهوری اسلامی در صدر جنایتکاران

هرستان سعودی، قطر به عنوان کشورهای که شدیدترین شکنجه ها را اعمال می کنند نام برده شده است. همچنین ذکر شده است در کشورهای ایران، عراق، بنگلادش، پاکستان، آمریکا و باربادوس مجازات اعدام در مورد نوجوانان نیز به کار برده شده است.

مرگ، ویرانی، کشتار، توهمین، تصحیر، فساد، دزدی... جمهوری اسلامی یعنی تک تک این اسامی. جمهوری اسلامی یعنی همه اینها. رژیم فقها به بهانه مبارزه با فساد، خود کثیف ترین نوع فساد را به نمایش می گذارد. سنگسار کردن انسان ها در جمهوری اسلامی چیزی نیست جز نمایش پوسیدگی اندیشه فاسدی که راهبر این رژیم از گور هزار ساله به در آمده است.

نخستین جلسه بررسی و تدوین متمم قانون اساسی

چهارشنبه هفته گذشته اولین جلسه هیئت بررسی و تدوین متمم قانون اساسی با شرکت احمد خمینی در نهاد ریاست جمهوری برگزار شد. خامنه‌ای در این نشست اعلام کرد که امیدوار است در نزدیکترین زمان ممکن نظر خمینی در مورد تدوین قانون اساسی تأمین شود... وی بازنگری مجدد به قانون اساسی را مسئله‌ای طبیعی عنوان کرد و در این نشست مشکینی به عنوان ریاست جلسات و رفسنجانی و خامنه‌ای به عنوان نایبین رئیس جلسه و محمد یزدی و حبیبی به عنوان منشی جلسات تعیین شدند. همچنین قرار شد که نشست این جلسات در مجلس اسلامی صورت گیرد.

لازم به تذکر است که در این هیئت اعضای شورای نگهبان، شورای مصلحت و ۵ تن از نمایندگان مجلس اسلامی شرکت دارند و اسدالله بیات، حسین هاشمیان، نجف علی حبیبی، هادی خامنه‌ای و عباسعلی امیرزنجانی به عنوان ۵ تن عضو مجلس اسلامی در این هیئت تعیین شده‌اند.

ادامه دستگیریهادر ارتش

همانطور که در شماره قبل نشریه "گزارش" شد، دستگیریهای وسیعی در ارتش و دیگر ارگان‌های دولتی صورت گرفته است. در ادامه انتشار خبر فوق که برای اولین بار از جانب رفسنجانی در نماز جمعه دو هفته قبل اعلام شد، موسوی نخست‌وزیر اسلامی و ری شهری در مصاحبه‌های مختلف اعلام کردند که افراد شبکه‌های دستگیرشده، علاوه بر تماس با سفارتخانه‌های آمریکا، با سفارتخانه‌های برخی کشورهای اروپایی خصوصاً آلمان فدرالی و چند کشور منطقه در ارتباط بوده‌اند و اطلاعات ردو بدل می‌کرده‌اند.

آنها در این مصاحبه از دستگیری تعدادی از افسران ارتش و همچنین کارمندان بلندپایه دولتی که در پستهای حساس قرار داشته‌اند نام برده‌اند. هم موسوی و هم ری شهری از اهدام کامل تعداد و نام دستگیرشدگان خودداری کردند. موسوی و ری شهری دولت آمریکا را متهم به نقض معاهده لاهه و دخالت در امور داخلی ایران متهم کرده و اعلام نمودند که علیه دولت آمریکا به دادگاه لاهه شکایت خواهند کرد. همچنین دولت ایران به دولت آلمان فدرالی بخاطر فعالیت اطلاعاتی سفارتخانه‌های این کشور به نفع سازمان اطلاعاتی آمریکا ضمناً اعتراض کرد. این در حالی است که دولت بن هر گونه فعالیت در این راستا را تکذیب نموده است.

هر چند رفسنجانی اهدام سه تن از افسران نیروی دریایی را تکذیب کرد اما شواهد حاکی از آن است که تعدادی از دستگیرشدگان که عمدتاً از افسران ارتش بوده‌اند اهدام شده‌اند. همچنین برخی گزارش‌ها حاکی از این است که تعدادی از افسران مزبور از مدت‌ها پیش دستگیر شده و اتهام جاسوسی به نفع آمریکا بعداً به آنها زده شده است.

نمایندگان ائتلاف هفت گانه در تهران

گروه حل نخواهد شد. وی گروه‌های ضد انقلاب افغانی را به اتحاد دعوت نمود. هم خامنه‌ای و هم ولایتی ضمن اعلام تغییر و تحولات در اوضاع منطقه و جهان که بی‌ارتباط با تهاجم سیاست صلح دولت شوروی و دولت جمهوری افغانستان نمی‌باشد و تأثیر این سیاستها در تضعیف و منفرد ساختن نیروهای ضدانقلاب افغانی، اعلام کردند: سرنوشته ملت افغانستان را با سرنوشته ملت خود مرتبط می‌دانیم. خامنه‌ای در این دیدار مجدداً بر سیاست مداخله جویانه حکومت اسلامی تأکید کرده و در ادامه سیاست ارتجاعی دخالت در امور افغانستان افزود: امنیت ملی کشور مانع از مصالح افغانستان قابل تفکیک نیست و قضایا و مسائل افغانستان برای ما مهم است و ما نمی‌توانیم نظاره‌گر باشیم. لازم به تذکر است در چند ماه اخیر تلاشهای ضدانقلاب افغانی برای ایجاد وحدت بین خود با شکست روبرو گشته و همچنین حملات دستجات و باندهای مسلح، به شهر جلال‌آباد که با حمایت ارتش پاکستان صورت گرفته بود با شکست کامل روبرو گردیده است. در این حملات تعداد زیادی از این افراد به هلاکت رسیده‌اند.

برگماری اعضای هیات نظارت

بر انتخابات ریاست جمهوری

از سوی "شورای نگهبان" اعضا هیات مرکزی نظارت بر انتخابات پنجمین دوره ریاست جمهوری تعیین شدند. روابط عمومی شورای نگهبان، محمد یزدی را به عنوان رئیس هیات مرکزی، دکتر حسین مهرپور را به عنوان نائب رئیس و احمد گلزاده را به عنوان دبیر این هیات اعلام نمود. ضمناً سیدرضا تقوی، علی آرا، مصطفی ضرابی و اصغر گرانباه پور به عنوان اعضای هیات و علی‌رخ صفت، هزات‌الله دهقان و محمدباقرنویسی به عنوان عضو علی‌البدل تعیین شدند.

با توجه به تغییراتی که باید در قانون اساسی فقها داده شود و اعلام مسئله تمرکز قدرت که از جانب برخی مسئولین حکومتی عنوان می‌شود و دادن اختیارات بیشتر به ریاست جمهوری سردمداران حکومت به این دور از انتخابات ریاست جمهوری با حساسیت ویژه‌ای برخورد می‌کنند.

بودجه امور آموزشی و فرهنگی

خصوصی افزایش می‌یابد

در نشست "شورای عالی انقلاب فرهنگی" که در روز سه‌شنبه برگزار شد، این شورا ضمن تذکراتی به وزیر فرهنگ و آموزش در مورد نحوه گزینش دانشجویان برای جلوگیری از جوسازیها و همچنین در ارتباط با انتخاب "هسته گزینش" بویژه در امور گزینش دانشجویان اعزام به خارج، مقرر گردد تا بودجه امور آموزش و فرهنگ خصوصی افزایش یابد.

برهان‌الدین ربانی سرکرده "جمعیت اسلامی" که در راس یک هیئت نمایندگی از پاکستان هازم تهران شده بود در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه با ولایتی وزیر خارجه و خامنه‌ای رئیس‌جمهور حکومت اسلامی ملاقات و مذاکره کرد. این هیئت که گروه‌ها ائتلاف هفت گانه افغانی را نمایندگی می‌کنند ضمن تشکر از حمایت‌ها و کمکهای جمهوری اسلامی به مهاجرین و "مجاهدین افغان" گزارشی از وضعیت سیاسی - نظامی افغانستان و در جبهه جنگ اطراف شهر جلال‌آباد به مسئولین حکومتی ایران ارائه داد. در این مذاکرات هم برهان‌الدین ربانی و هم خامنه‌ای از وضعیت دشوار ضدانقلاب افغانی بطور ضمنی یاد کردند. برهان‌الدین ابراز امیدواری کرد که وضعیت جبهه جنگ در اطراف جلال‌آباد بعد از بهبود و مساعد شدن شرایط جوی به نفع مجاهدین تغییر کند. وی در این مذاکره هدم پیشرفت فعالیت "مجاهدین" را سردی شدید هوا و بارش برف اعلام نمود. خامنه‌ای نیز ضمن ادای این مطلب که امروز شرایط پیشبرد مبارزه نسبت به گذشته بسیار دشوارتر شده، اعلام کرد که مشکل افغانستان تنها با نمایندگی یک

دور چهارم مذاکرات صلح

به بن بست رسید

چنانکه قبلاً نیز پیش‌بینی می‌شد دور چهارم مذاکرات صلح بین وزرای خارجه ایران و عراق که در ژنو برگزار شده بود در روز یکشنبه هفته گذشته با بن بست کامل روبرو گردید و مذاکرات به دور جدیدی که قرار است در اوایل تیرماه برگزار شود موقوف گردید.

هم ولایتی و هم طارق هزیز وزرای خارجه حکومت اسلامی و رژیم بغداد بعد از بازگشت به تهران و بغداد دولتهای یکدیگر را متهم به کارشکنی در پیشبرد مذاکرات نمودند. ولایتی در تهران اعلام کرد که هیئت نمایندگی عراق دارای اختیارات لازم برای پیشبرد مذاکره نیست و از کارشکنی دولت عراق در اجرای طرح چهارماده‌ای دبیر کل سازمان ملل نام برد. ولایتی خروج نیروها به پشت مرزهای بین‌المللی و مبادله اسرای جنگی را شرط پیشرفت مذاکرات و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت دانست.

طارق هزیز در بغداد در نشست هیئت وزیران این کشور گفت: هیئت ایرانی در اعلام هدف خود برای دستیابی به صلح صادق نیست. وی بحران داخلی و رقابت‌های درونی سران حکومت اسلامی را عامل هدم داشتن اختیار کلی هیئت ایرانی برای تصمیم‌گیری در مذاکرات صلح قلمداد کرد.

هیئت نمایندگی عراق لایروبی اروندرود را به عنوان پیش‌شرط برای رسیدن به هر گونه توافقی بین دو کشور دانست.



کتابخانه عمومی جلوی دانشگاه

بخشی از یک نامه:
...از جاهای پر رونق تهران،
کتابفروشی‌های روبروی دانشگاه
تهران و دست‌فروشی‌های جلوی آن
است. در حالی که به دلیل کمبود
کافذ کتاب‌ها به قیمت‌های بالا در
بازار سیاه به فروش می‌رسد،
کتاب‌های دست دوم توسط این
دست‌فروش‌ها به قیمت‌های
پایین‌تر عرضه می‌شود.
خریداران کتاب پس از خواندن
کتاب، می‌توانند همان کتاب را با
قیمتی ده درصد پایین‌تر از
خریدشان به فروشنده برگردانند.

بدین ترتیب هملا یک کتابخانه
عمومی در روبروی دانشگاه ایجاد
شده است. اشتیاق به کتاب و
مطالعه بسیار زیاد است. گفته
می‌شود ترجمه کتاب آیات
شیطانی نیز مخفیانه دست به دست
می‌شود و قیمت آن بین ۳ تا ۶ هزار
تومان ذکر شده است.

سرمی‌زند. مثلاً همین چندی پیش
بود که در خوابگاه پسران دانشگاه،
وقتی برق قطع شده بود
دانشجویان به‌هوان اعتراض
افتشاش کردند و در بیرون
خوابگاه آتش روشن کردند. خوب
این آتش‌ها را به‌یامی‌کنند و آنها هم
این "تعلنه‌ها" را
می‌دهند...

مرگ بر کمیته

بخشی از یک نامه:
"...سیزده‌سدر امسال را مردم
و سیعها جشن گرفتند بطور گروهی
به‌شادی و پایکوبی پرداختند. در
تهران همه زیادی در پارک‌ها و در
باغات کرج سیزده‌سدر را برگزار
کردند. در پارک ملت در این روز
بین مردم و کمیته‌چی‌ها درگیری
به‌وجود آمد. وقتی پاسداران و
گشت‌های کمیته به چند خانواده در
مورد ره‌ایت شئون اسلامی تذکر
داده و معترض آنها شدند، مردم
زیادی دخالت کرده و با شعار مرگ
بر کمیته، پاسداران و کمیته‌چی‌ها
را به عقب‌نشینی واداشتند. گفته
می‌شود که شعار مرگ بر خمینی
نیز داده شد.

...خلاصه‌اینکه نتیجه‌ای که از
"قطعنامه" به‌اجرا درآمده این
است که شلوار نباید زیاد تنگ باشد،
نباید زیاد گشاد باشد و نیز نباید زیاد
کوتاه باشد. در ضمن خندیدن بیجا
هم معنی ندارد. ... در ضمن فکر
نمی‌کنم برنامه‌های کنسرت
موسیقی ایرانی که به‌تازگی در
مناسبت‌های مختلف مثلاً تولد
حضرت محمد برگزار می‌شد و در
آنها خواهران و برادران شرکت
می‌کردند، دیگر برگزار شود.
چون همیشه یک عده‌ای هستند که
موازین اسلامی را ره‌ایت نمی‌کنند
و مثلاً به‌جای اینکه صلوات
بفرستند، کف می‌زنند! ... از
دانشجویان دانشگاه شیراز این
کارهای فیراسلامی همیشه

آتشی که در دانشگاه شیراز به‌پاشد!

بخشی از یک نامه:
"...راستی چند روز پیش
عده‌ای از دانشجویان دختر با
عده‌ای دیگر از دانشجویان پسر از
طرف تربیت‌بدنی دانشگاه شیراز
برای بازدید از یک محل تاریخی
به‌نام "فارشاپور" به اردو
می‌روند. متأسفانه خواهران
موازین اسلامی را ره‌ایت
نمی‌کنند، مثلاً پاچه شلوارهایشان
را بالای‌زند و در آب می‌روند! و
مقتعه‌هایشان را برمی‌دارند و
از همه بدتر سرودهایی را که نباید
بخوانند می‌خوانند مثل
"مرا بوس" و سرودهای
فیراسلامی دیگر، آن هم به‌طور
دسته‌جمعی! ...

...وقتی خبر این اعمال
فیراسلامی به‌گوش مقامات
می‌رسد، مسئولین این اردو را
به جرم آنکه باعث شده‌اند موازین
اسلامی ره‌ایت نشود، یعنی به جرم
اینکه دانشجویان را در انجام
اعمال فیراسلامی آزاد گذاشته
بودند و به جرم اینکه عده‌ای از آنها
حتی مشوق و باعث اجرای این
اعمال بودند، بازداشت می‌کنند. در
دانشگاه هم به‌همین خاطر
سخنرانی‌هایی برضد این اعمال
فیراسلامی ایراد می‌شود. خلاصه،
از سه‌روز پیش امت حزب‌الله
تاطعانه‌تر عمل می‌کند. حالا دیگر
پوشیدن لباس‌های مبتذل مثل
شلوار جین، جوراب‌های سفید و
مانتوهای مدل‌دار برای دختران
ممنوع شده است. به‌فیر از سه‌رنگ
مشکی، قهوه‌ای و سرمه‌ای،
رنگ‌های دیگر ممنوع است و
قطعنامه‌ای هم صادر شده است
که: "هیچگونه خواهر و برادری
حق صحبت با یکدیگر را در سطح
شهر ندارند."

واقعیت تلخ!

کمیته‌شان
مرد بیگار، بخاطر بدفولی در تحویل
خودرو، دست به خودکشی زد

کشید.
قتیرزاده در حالی که از
شدت درد بخود می‌پیچید به
خبرنگار خبرگزاری جمهوری
اسلامی که شاهد این واقعه
بود، اظهار داشت: پنج سال
پیش شصت هزار تومان با
پرداخت نزول قرض کردم‌تا
توانم یکمده وانت‌باری‌کان‌را
که در قرعه‌کشی برنده شده
بودم دریافت دارم اما
تاکنون مرا که بیگار هستم‌سر
دوانداند و از تحویل این
خودرو به من خودداری
کرده‌اند.

مردی عیالوفر و بیگار،
روز گذشته پس از پنج سال
صطبی وقتی شنیخ تصویب
وانت‌بارش از سوی وزارت
صنایع سنگین یک هفته دیگر
به تویق افتاده است، با
خودن هم در مقابل‌ماختان
وزارت صنایع سنگین دست‌به
خودکشی زد.

سلیم قتی‌زاده فرزند قدرت
ساکن قرچک ورامین نزدیک
شهر دیروز پس از آنکه کمیته‌شان
وزارت صنایع سنگین کاروی
را به هفته آینده موکول
کرده، یک هفته هم را که
از قبل آماده کرده بود سر

زندگی مردم ماچنان در کلاف
مشکلات بی‌شمار تنیده شده که
گذران آن کاری است بسیار
دشوار. صفوف بی‌شمار بیگار‌ان هر
روز تشرده‌تر می‌شود. هر روز بر
شمار مردمانی که از فشار بیکاری
به دست‌فروشی، پیلهوری و سایر
شکل‌های بیکاری پنهان
می‌پیوندند افزوده می‌گردد.
دستیابی به هر یک از این شغل‌های
کاذب نیز به سبب متقاضیان
بسیاری که دارند، کار ساده‌ای
نیست، برای تهیه یک چرخ دستی
هم سرمایه زیادی لازم است. باید
مدت‌ها در نوبت ماند، در دسر
بسیاری باید متحمل شد و دم
واسطه‌ها را باید دید.
تهیه وانت‌بار که جای خود
دارد، سال‌ها باید در لیست انتظار
بود و تازه موهد تصویل هم که شد،
نوبت این ماه و آن ماه کردن‌های
مسئولین وزارت صنایع می‌رسد.
آنچه کلیشه شده، واقعه
تلخی است که هر روز و شاید به
دفعات در میهن ماکرار می‌شود.

انترناسیونال

اوژن پوتیه سراینده سرود انترناسیونال
اوژن پوتیه، سراینده سرود انترناسیونال در
خانواده‌یی فقیر به دنیا آمده بود و در سراسر زندگی
رنجبارش، یک فقیر، یک پرولتر باقی ماند.
از سال ۱۸۴۵ به بعد او با سروده‌های رزمی و
شورانگیز خود، وجدان طبقاتی کارگران ناآگاه را
بیدار می‌ساخت و آنها را به اتحاد و همبستگی در
مبارزه با بورژوازی و حکومت‌های بورژوازی
فرانسه فرامی‌خواند.

در روزهای کمون پاریس، پوتیه به عنوان عضو
کمون انتخاب شد. از ۳۶۵۰ رای ریخته شده
۳۳۲۵ رای نصیب وی شد.

سرود مشهور او - انترناسیونال - در ژوئیه
۱۸۷۱ یعنی در فردای شکست خونین ماه مه،
سروده شد. در هشتم نوامبر ۱۸۸۷ کارگران
پاریس جسد اوژن پوتیه را با شکوه بسیار به
گورستان "پراشلینز" حمل کردند، جائیکه
کموناردهای تیرباران شده دفن شده‌اند.
یادویادگار گرامی باد

بر خیز، ای داغ لعنت خورده
دنیای فقر و بندگی
جوشیده خاطر ما را برده
به جنگ مرگ و زندگی.
باید از ریشه بر اندازیم
کهنه جهان جور و بند
وانگه نوین جهانی سازیم
هیچ بودگان هر چیز گردند.

روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما
انترناسیونال است، نجات انسانها

بر مانمی بخشدرهایی
خدا، نه شه، نه قهرمان
بادست خود گیریم آزادی
در پیکارهای بی‌امان
تا ظلم از عالم برویم
نصمت خود آریم به دست

دمیم آتش را و بگویم
تا وقتی آهن گرم است

روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما
انترناسیونال است، نجات انسانها

تنها ما توده جهانی
اردوی بی‌شمار کار
داریم حقوق جهانی
نه که خونخواران فدار
فرد، و وقتی رهد مرگ آور
بر دژ خیما و رهنان
بر ماه در این عالم سراسر
تابد خورشید نور افشان

روز قطعی جدال است، آخرین رزم ما
انترناسیونال است، نجات انسانها

خانه‌ام کجاست

گزارش دریافتی از آتن...

بقیه از صفحه ۶
تمام وسایل مستعمل و اسقاطی
دقیقنوسی در آنجا یکجا
جمع شده‌اند و فیر قابل مصرف.
۷۰۰۰ فرگاز زنگ زده و
به درد نخور وجود دارد که از
آن همه فقط دو شعله کار می‌کند و
تمامی هتل باید با همین دو شعله
کم‌جان غذای روزانه خود را
درست کنند. از دحام پناهنده‌ها و
احیاناً چند تئوریست فکسنی و صف
قابلمه‌ها و ماهی‌تابه‌ها انتظار
می‌کشند. از توصیف در و دیوار
کبره‌بسته و کثیف و بهم‌ریخته تا
میز آشپزی و کنده گوشت خردکنی
و دیگر وسایل همد هتلی باید چشم
پوشید.

در گوشه آشپزخانه سطل
آشغالی به چشم می‌خورد که از
زور کثافت در حال انفجار
است. باقیمانده زباله‌ها همراه
انواع بوهای مسمم‌کننده روی
سطح سیاه آب شناورند. باید
پاچه‌های شلوار را بالا زد و
چکمه‌های لاستیکی پوشید تا
بتوان ساعتهی را با تحمل شکنجه و
آزار جسمی و روحی به پخت و پز-
از سر ناچاری پرداخت. در واقع
آشپزخانه لانه امن و راحتی برای
انواع میکروب‌ها و گربه‌هاست.

کایروستی آسانسور هم دارد!
سالن انتظار هم دارد! اما سالن
انتظار تاریک و نمناک است با
مقداری صندلی شکسته بسته که

گوشه سالن در میان گرد و غبار
ساکن و کهنه ایام در هتل روی هم
ولو شده‌اند. در واقع انباری است نه
سالن انتظار. در هر روز مطلقاً
نمی‌شود با آسانسور هفت طبقه را
بالا و پایین رفت. سطل‌های زباله و
ملافه‌های چرک را مستخدم
بی‌خیال در آسانسور می‌چپاند و
آنجا را قرق می‌کند. بعد سطل‌های
بزرگ آشغال را کشان‌کشان از
دخمه هتل به خیابان می‌برد و
روبروی در هتل می‌کارد و آنجا
جشن پرسوروسات مگس‌هاست.
در امتداد خط آشغال‌ها در راهرو
هتل آب زرد رنگ و کثیفی
به جامانده است. مستخدم ملافه‌ها
را روی زمین می‌کشد و به اتاق
چرکتاب و پر از میکروب و نمور
پرتاب می‌کند.

و شبها از آسانسور
استفاده کردن کار خطرناکی
است، چراکه داخل آسانسور
چراغی نیست و بایست با کبریت یا
فندک دنبال دگمه‌ها- کورمال-
گشت و یکی را فشار داد.
احتمال اینکه آسانسور در وسط راه
بسته به میلش- بایستد فراوان است،
آنوقت نه پایین می‌رود نه
بالا می‌آید. گاه می‌شود دگمه طبقه
سه را می‌زنی و سراز طبقه هفتم
در می‌آوری و مجبوری دوباره از
راه پله‌ها برگردی پایین و یا
برعکس و اگر هم آسانسور احیاناً در
طبقه مورد نظر بایستد باید با فشار

و لگد در برابر زکنی و جانم رانجات
بدهی.

در هر طبقه چند سطل کوچک
آشغال است که آشغال‌ها بیشتر از
آن که درون سطل ریخته شده
باشند روی زمین پخش و پلا هستند.
هر طبقه حمام و دستشویی هم
دارد؟! اما بدون آب گرم و حتی
بیشتر اوقات بدون آب سرد.
خصوصاً در زمستان کمبود شدید
آب گرم برای استحمام بسیار
زجر آور و کشنده است. و هیچکس
جوابگوی هیچ چیز نیست. در
حمام‌ها وان هست ولی سردوشی
نیست. سیفون تمام توالت‌ها
از کار افتاده و خراب است و یا اصلاً
سیفونی ندارد. در هیچ کدام از
توالت‌ها دستمال کاغذی پیدا
نمی‌شود. اتاق‌های دو تخته و
سه تخته و بالاتر هم دارد؟! البته
اکثراً بدون دروپیکر

درست و حسابی و پنجره‌های
بی‌شیشه، که یا شکسته‌اند و یا
ترک خورده‌اند و به جای شیشه با
کارتن و پتو و ملافه جلوی نفوذ
سرما را گرفته‌اند. در اکثر
اتاق‌های دو تخته و سه تخته شش
الی یازده نفر زندگی می‌کنند،
نشست و برخاست می‌کنند و
می‌خوابند. پناهنده‌ها با کمبود جا،
ملافه و پتوی بهداشتی و کلیه
امکانات رفاهی ساده و اولیه‌ای که
هر هتل مستلزم به محیا کردن
آنهاست، دست به گریبانند. در
راهروی هیچ طبقه‌ای بیش از چند

دقیقه نمی‌شود تاب آورد. از
زباله‌های ریخته شده و توالت‌های
شسته نشده بوی تعفن بلند است و
به گفته خیلی‌ها بیماری‌های
پوستی و خطرناک شیوع
پیدا کرده است و جان ساکنان
خردسال- بیش از همه این گل‌های
قاصدک لطیف- و جوان و میانسال
را در معرض خطر جدی قرار داده
است. و هیچ سازمان یا مسئول
دلسوزی گوشه‌چشمی به این
مکان از یاد رفته و پشت ندارد که
پنداری دیرزمانی است اشباح هم
از آنجا متواری شده‌اند.

می‌پرسند چرا باین اوصاف آنجا
زندگی می‌کنید؟! برای اینکه
ارزان‌ترین است. چون می‌شود
در اتاق‌های چهار نفره، ۱۰ نفر
پناهنده آواره و بی‌چیز و
بی‌پشت و پناه را جاداد، برای اینکه
گوش‌شنوا و چشم بینایی نیست که
مسائل و مشکلات هدیده مارا
بشنود و احیاناً ببیند.

و تمام این گفته‌ها به یک لحظه
دیدن مسئولان امور پناهندگی از
جا و مکان و موقعیت
به‌فایت در دناک ما، نمی‌ارزد. از
آنها درخواست کرده‌ایم بیایند و
با چشم خود، محل زندگی ما را
ببینند، اما آنها آنقدر همت ندارند و
برایمان ارزش قائل نیستند که برای
لحظه‌ای هر چند کوتاه هم که شده،
قدمی رنج‌کنند و سری به این
مکان مخوف، به دخمه مخروبه ما
پناهندگان بزنند. "



صدسال همبستگی

صدسال رزم همبسته

بقیه از صفحه ۱

نیامده و بدون درد حفظ نشده اند؛ فارغ از تغییر، چه در شکل و چه در مضمون، نبوده اند و امروز هم فارغ از مشکل نیستند، اما فاقد درسهای بزرگ نیز نبوده اند. امروزه، از سویی، طبقه کارگر شاهد دگرگونیهای عمیق در ساختار و ترکیب خویش است؛ انقلاب علمی و فنی، خاصه در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، دسترسی به طراز نوینی از نیروهای مولده را میسر ساخته است؛ نیروهایی که می توانند هم ابزاری برای حل حیاتی ترین مسائل انسان معاصر باشند و هم وسیله ای برای نابودی وی بدست خویش. نیروهایی که می توانند هم به آبادانی و هم به ویرانی تمدن مدد رسانند. این نیروهای مولده طراز نوین به شکل گیری اقتشار جدیدی در درون طبقه کارگر نیز انجامیده اند و گاه صف بندیهای دردناکی را در آن باعث شده اند. استعمار کار فکری و کار با کیفیت عالی تخصصی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری شدت یافته است.

از سویی دیگر، سوسیالیسم این ساخته اساسی طبقه کارگر - به ارزیابی مجدد خویش نشسته است. ارزیابی مجدد ضعفها، کج رویها و شکستها، ارزیابی مجدد دستاوردها و پیروزیها، نوسازی سوسیالیسم با هدف هر چه بیشتر بهره مند کردن انسان و برآوردن نیازهای وی، روند مسلط امروزین در کشورهای سوسیالیستی است.

بعلاوه روند نزدیکی بیشتر و وحدت در میان گردانهای طبقه کارگر، در کشورهای مختلف جهان، جریان دارد و رو به گسترش است.

این تغییرات الزامات نوینی را پیش روی طبقه کارگر نهاده است و مضامین و اشکال نوین همبستگی آن را طلب می کند. آرئی، امروز طبقه کارگر در کار ایجاد همبستگی نوینی بر پایه ای وسیعتر، و در جستجوی اشکال و مضامین درخور آن است.

بازبینی یکصدساله ای که از اقدام انترناسیونال دوم می گذرد حاکی از آن است که طبقه کارگر به مثابه طبقه پیشرو و تابه آخر انقلابی همواره باید به استقبال آنچه نواست بشتابد و آنرا در حرکت و مبارزه خود متجلی کند. این بار نیز میکوشد بفراخور زمان و الزامات آن همبستگی خود را در طرازی هالیتر سازمان دهد.

در روزهای اول ماه مه در میهن قمبران چه گذشته است و چه میگذرد؟ طبقه کارگر ایران نیز در زیر حاکمیت ضد کارگری ترین رژیمها این سنت انقلابی و انترناسیونالیستی را با سر بلندی پاس داشته است به یاد می آوریم روز اول ماه مه سال

۱۳۵۱ را، روزی که طبقه کارگر ایران برای نخستین بار اول ماه مه را تحت شرایط اختناق رضاخانی با برگزاری تظاهرات خیابانی جشن گرفت؛ بیاد می آوریم روز اول ماه مه سال ۱۳۲۳ را، روزی که "شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران" زیر تهدید فاشیسم و رژیم ستمشاهی محمدرضا شاه، تشکیل گردید؛ بیاد می آوریم روز اول ماه مه سال ۱۳۶۵ را، روزی که میتینگ سازمان ما، بزرگترین میتینگ در تاریخ آن، با یورش عوامل رژیم جمهوری اسلامی به خون کشیده شد، ... و بیاد می آوریم دهها میتینگ و تظاهرات خیابانی و صدها جشن و حتی فرای کوچک پنهانی را که کارگران ایران برپا کرده اند و امروزه نیز برپا می کنند تا روز همبستگی بین المللی شان را گرامی داشته و آنرا به روز همبستگی رزمندگان علیه استبداد، ستم و سرمایه بدل کنند. کارگران ایران، در شرایطی اول ماه مه را جشن می گیرند که روزی نیست که، در اثر سیاست های جمهوری اسلامی در دفاع از منافع فارتگران، باز خرید و اخراج، عده ای دیگر از کارگران را به ارتش بیگاران نیافزاید، روزی نیست که بیگاری میلیونی تهدیدی متوجه هر کارگر نباشد، فقر و مسکنت کارگران و دیگر زحمتکشان فزونی نگیرد، محدودیتها و تضییقات برای ایجاد تشکل های صنفی کارگران و سازمانهای سیاسی آنان تشدید نشود، فعالین جنبش کارگری دستگیر و شکنجه و حبس نشوند، و بر کارنامه سیاه و خونبار رژیم خمینی ننگ اعدام کسان دیگری از صفوف کمونیستها - این رهروان استوار راه طبقه کارگر و زحمتکشان کشورمان - افزون نگردد. طومار خیانت و جنایت جمهوری اسلامی در حق طبقه کارگر و مردم ایران بمراتب فراتر از اینها می رود و با سیاست فوق العاده ارتجاسی آن که بصورت دورنگهداشتن و به عقب راندن اقتصاد، تولید و طبقه کارگر از گردونه پیشرفت و تعالی و نیز پراکندن کارگران متجلی میشود دامنه گسترده ای می یابد.

با این رژیم خونریز و ضد مردمی باید مبارزه کرد. برای کسب آزادیهای دمکراتیک، بهبود شرایط زیست کارگران و زحمتکشان، قانون کاری که مدافع کار باشد و نه سرمایه، ... باید مبارزه کرد و برای پیشبرد موثر این مبارزه، تجربه جنبش کارگری، چه در جهان و چه در ایران، راهی جز تشکیل یابی طبقه کارگر، فلبه بر پراکندگی صفوف آن و فلبه بر پراکندگی صفوف پیشروان و مدافعان آن، هر ضه نکرده است.

از ترانه های
کارگران بومی مهندس تی کا کاجولیوی

پرچم خونرنگ

از: شعرهای ممنوعه امریکای لاتین
ترجمه رفیق شهید، حسین اقدامی

- پسر م!
میچ میدانی
که میان هر قهاری تن ما
و آب دریاها
چه شباهتی است؟

- نه پدر
فقط میدانم
که آب دریاها سرد است
و هر ق تن همامان داغ
... و؟

- می دانم که آب دریاها
رنگ آسمان دارد
و هر ق تن ها
رنگ خاکه سرب
..... و

- تو تفاوت هارامی گویی کو چولو!
من شباهت هاراپر سیدم

- اما این قصه را پدر
هنوز برایم نگفته یی

- می گویم
اما این قصه نیست، یادت باشد!
این سر گذشت رنج است
این رنجنامه کار است
می دانی؟
آب دریاها

در حرارت خورشید
تبخیر میشود
زان پس
ابری در آسمان
و بارشی بر زمین
تا طبیعت بشکوفد همچون گل سرخی در کوستان .
و هر ق تن هانیز
در کوره رنج، دود می شود
وزان پس
رهدی در تاریخ
و توفانی در زمان
تا جامعه بشکوفد همچون پرچم خونرنگی، در میدان .
هم از اینجاست
که دریاها و تن ما
هر دو جزر و مد دارند
گاه، آرام و گاه، خشماگین .

- من گلهای سرخ را، پدر،
بسیار دوست دارم .

- آفرین پسر م!
وقتی دریایی
که در کجای زمان ایستاده یی
آنگاه

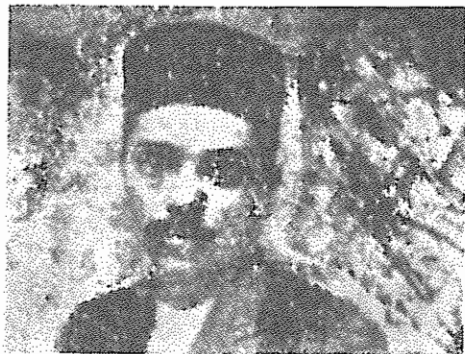
با تمام وسعت قلبت
پرچم خونرنگ را نیز
دوست خواهی داشت .

پیشگامان جنبش سندیکایی ایران



محمد پروانه

منشی اتحادیه کارگران چاپ و نماینده اتحادیه مرکزی کارگران ایران



امامقلی بهرامی

منشی اتحادیه کارگران کفاش و نماینده اتحادیه مرکزی کارگران ایران نمونه بارز فداکاری صراحت گفتار و صداقت انقلابی



مهدی کیمرام

نماینده و مدیر اتحادیه کارگران کفاش و نماینده اتحادیه مرکزی کارگران ایران از بنیانگذاران "شواری متحده مرکزی"



محمدتقی ناصحی

نماینده اتحادیه مرکزی و مدیر مجله "جرقه" مبلغ متعهد و پر شور جنبش سندیکایی

"اتحادیه مرکزی کارگران" (تاسیس ۱۲۹۹) بود، در جوانی زیر فشار مشکلات اقتصادی و مالی دستگاه پارچه‌بافی خود را از دست می‌دهد و به صف کارگران پارچه‌باف می‌پیوندد. مانی به دنبال آشنایی با مبارزات متشکل کارگری، دوشادوش نخستین پیشروان جنبش سندیکایی فعالیت خود را در این زمینه آغاز می‌کند. او کتاب "تاریخچه نهضت..." را که شرح خاطرات وی از جنبش کارگری ایران در سالهای ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۸ است، در سال ۱۳۲۵ تألیف کرد. بخش اعظم کتاب، که در همان سال به مناسبت روز اول ماه مه چاپ و پخش شد، بیانگر فعالیت و شخصیت رهبران مبارز و فداکار جنبش سندیکایی ایران است. اثری است

جنبش سندیکایی در ایران از بیش از هشتاد سال تاریخ برخوردار است. پیشگامان ما در این جنبش نیز در شرایط بسیار دشواری زیستند، مبارزه کردند، استقامت نشان دادند، به زندانهای رضاخانی افتادند و کشته شدند. به مناسبت اول ماه مه تا چند از این پیشگامان فداکار را که بذرتشکل و اندیشه طبقاتی را در میان کارگران می‌نشانند پاشیدند معرفی می‌کنیم و یادشان را گرامی می‌داریم.

شکرالله مانی نویسنده کتاب "تاریخچه نهضت کارگری در ایران" - که مادر این نوشته از همین کتاب وی سود جستیم - خود یکی از پیشروان و فعالان جنبش سندیکایی بود. او که مدیر اتحادیه پارچه‌بافان و منشی

"باید در زمان مهینی گردهمایی بین المللی بزرگی سازمان داد و آن هم به شکلی کارگران هم زمان در تمام کشورها و در تمام شهرها در یک روز همین از قدرت های حاکم (ارگان های دولتی) خواستار محدودیت کار به ۸ ساعت در روز شدند و سایر مصوبات کنگره بین المللی پاریس را طرح سازند."

این متن پایه گذار روز اول ماه مه به عنوان روز جهانی کارگران است. تصمیم بالا بخشی از مصوبات کنگره موسس انترناسیونال دوم است که روز ۱۴ ژوئیه ۱۸۸۹، (صد سال پس از هجوم به زندان باستیل و انقلاب فرانسه) در پاریس افتتاح شد.

روز اول ماه مه به یادبود رزم تهرمانه ۳۵۰ هزار کارگر آمریکایی برای کسب ۸ ساعت کار در روز است. کارگران در این روز دست به اعتصاب بزرگی زدند. روز سوم ماه مه در شیکاگو زد و خورد خونینی میان اعتصاب کنندگان و پلیس صورت گرفت. روز چهارم ماه مه در گردهمایی اعتراضی بزرگی علیه پلیس یک عامل پلیس از میان جمعیت بمبی به سوی پلیس پرتاب کرد. با انفجار آن و حمله پلیس ۱۱ نفر کشته شدند. ۸ کارگر به جرم "قتل" دستگیر و روز ۱۱ نوامبر ۱۸۸۷ اعدام شدند. در اجلاس اختتامی انترناسیونال دوم به پیشنهاد فریدریش انگلس، روز آغاز اعتصاب، اول ماه مه، به عنوان روز همبستگی جهانی کارگران تعیین شد.

تنها پس از دو سال جنبش اول ماه مه گسترش جهانی یافت و در ۴ ماه مه ۱۸۹۰ سیصد هزار نفر در لندن، ۱۰۰ هزار نفر در بارسلون گرد آمدند. در آلمان ۲۰۰ هزار نفر کار را تعطیل کردند. انگلس در این دستاورد جنبش کارگری بین المللی اهمیتی دوران ساز دید: "از همین امروز که من این سطور را می نویسم، پرولتاریای اروپا و آمریکا برای اولین بار قدرت عظیم یکپارچگی خود را در می یابد، بسیج یافته چون یک ارتش، زیر یک پرچم و بایک هدف: پیشبرد خواست روز کار ۸ ساعته که در کنگره ژنو انترناسیونال در سال ۱۸۸۶ و سپس در کنگره کارگری پاریس در ۱۸۸۹ به تصویب رسیده است. صحنه امروزی چشم های سرمایه داران و زمینداران را بر روی این واقعیت باز خواهد کرد که پرولتاریای تمام کشورها در حمل متحد شده اند." (مجموعه آثار مارکس و انگلس، جلد ۲۲، صفحه ۵۸)

کمک دولت موفق به توقیف روزنامه حقیقت شدند و فعالیت "اتحادیه..." نیز توسط رضاشاه ممنوع اعلام گردید. دهگان که تجربیاتی در زمینه کشاورزی داشت در مازندران به کشاورزی مشغول شد و مدتی نیز در اداره پنبه همدان و خرم آباد کار کرد. ولی پس از چندی بخاطر دسته‌بندی‌های اداری دست از کار کشید و مدتی بعد به علت ابتلا به بیماری سل درگذشت.

در کنار دهگان، فعالین دیگری نیز به مبارزه سندیکایی مشغول بودند. آنها در راس اتحادیه‌های اصناف خویش قرار داشتند و هر یک به انما مختلف تحت تعقیب و آزار و شکنجه قرار می‌گرفتند. از جمله آنان:

- باقرنوبی، محمد پروانه و عبدالحسین سادات گوشه‌ای نمایندگان اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران.
این اتحادیه در راس اتحادیه‌های دیگر و در مقام رهبری آنها قرار داشت.
- مهدی حقیقت، حسین مسگرزاده، علی اکبر اسکانی نمایندگان اتحادیه کارگران کفاش تهران

- محمد تقی ناصحی نماینده کارگران دواساز. وی مجله "جرقه" را به سبک نوینی منتشر کرد که خیلی زود توقیف شد.
- حسین امید، ابوالقاسم رجایی و ابوالفضل لسانی نمایندگان اتحادیه معلمین. لسانی پس از توقیف "حقیقت" روزنامه "اقتصاد ایران" را منتشر کرد که مورد استقبال مردم قرار گرفت و خیلی زود توقیف شد.

- استاد میرزا علی طرفدار و استاد محمد بنا نمایندگان اتحادیه کارگران بنای تهران. میرزا علی طرفدار به خاطر فعالیت انقلابی مدتی زندانی بود و شکنجه‌های بسیار دید و هاقبت نیز جان خود را در این راه نداد کرد.

میرزا محمد آخوندزاده نماینده اتحادیه باربران بندر انزلی. وی نماینده‌ای فعال و شجاع بود که اغلب در زندان‌ها گرفتار پنجه مامورین رضاشاهی بود.

...
اینان از آغازگران و پیشگامان جنبش سندیکایی در ایران بودند. تجارب مبارزاتی آنها، نحوه فعالیت‌شان و پیگیری آنان در پیشبرد اهداف والای طبقه کارگر سرمشق کارگران مبارز و فعالین جنبش کارگری ماست. یادشان گرامی باد!

مسئولانه و سرشار از عشق و وفاداری نسبت به کارگران و زحمتکشان.

نخستین سندیکاها و اتحادیه‌ها را کارگران چاپخانه‌های تهران ایجاد کردند و ابتکار سازماندهی "اتحادیه مرکزی کارگران" نیز با رهبران اتحادیه‌های چاپ و در راس آنها سید محمد دهگان بود. نخستین رهبران و پیشگامان جنبش سندیکایی طی سالهای ۱۳۹۶ تا ۱۳۵۴ سر برآوردند.

دهگان اولین نماینده و مدیر اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران، مدیر اتحادیه مرکزی کارگران ایران، اولین نماینده کارگران ایران در بین الملل سندیکاهای سرخ (انترناسیونال سوم) و مدیر روزنامه حقیقت تحت سرپرستی عبدالرحیم طالبوف (نویسنده انقلابی و دمکرات صدر مشروطه) به پایان رساند. دهگان هنگامیکه به عنوان نماینده "اتحادیه مرکزی کارگران ایران" در بین الملل سوم شرکت کرد توانست گزارش واقع بینانه‌ای از وضعیت اسفبار کارگران ایران ارائه دهد.

او اولین نماینده کارگران ایران بود که در کنفرانس بین الملل سندیکاها شرکت کرد و خواست کارگران و وضعیت اتحادیه‌ها را در آن جا مطرح کرد. در بازگشت به ایران اعلام کرد: "اتحادیه... در کنفرانس چهارم بین الملل سوم به رسمیت شناخته شد."

محمد دهگان اولین کسی بود که "مانیفست حزب کمونیست" را به فارسی ترجمه کرد. او مدیر روزنامه حقیقت نیز بود. مانی می‌نویسد: "مقالات این روزنامه مانند تیری به پهلو مرتجعین می‌نشست... بالاخره مرحوم مدرس و همراهانش با کمک دولت در "پنج‌محل" تهران عده‌ای از اوباش و مردمان بیسواد و بارفروش‌های میدان و جمعی از کسبه مرتجع بازار را جمع کردند و "اتحادیه پنج محل تهران" را علیه روزنامه حقیقت تشکیل دادند. مدتی جمعیت را برای سوزاندن روزنامه حقیقت تحریک و تشویع می‌نمودند. تمیبه حمله به "اتحادیه مرکزی..." را می‌دیدند و..."

آنها از هیچ کوششی برای از هم پاشیدن اتحادیه‌های کارگری و تعطیل روزنامه "حقیقت" و دستگیری رهبران جنبش کارگری کوتاهی نمی‌کردند و سرانجام به



محمد دهگان
بنیانگذار اتحادیه مرکزی کارگران ایران و نماینده کارگران ایران در بین الملل سندیکاهای سرخ (انترناسیونال)



مرتضی حجازی
نماینده اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران که در سیامچالهای رژیم رضاخان به شهادت رسید



استاد میرزا علی طرفدار
نماینده اتحادیه مرکزی و مدیر اتحادیه کارگران بنا، مبارز ثابت قدم و فدakar جنبش سندیکای ایران



باقرنوبی
نماینده و مدیر اتحادیه کارگران چاپ نمونه قاطعیت و فداکاری انقلابی طبقه کارگر

حفظ محیط زیست! فاجعه پشت در است

اخبار فراوان است. شواهد از برخورد خشن انسان با طبیعت اطرافش، تخریب و آلودن آن سخن می‌گویند، طبیعتی که هستی انسان وابسته به آن است. و اینک انسان خود را در آستانه فاجعه قرار داده است. فاجعه اکولوژیک به سطحی معادل فاجعه انفجار هسته‌ای شاید خطرناک‌تر از آن - فراوانی است.

هزاران ماهی در رودخانه‌های شمال کشورمان بدلیل ریختن فاضلاب کارخانجات به درون آنها از بین رفتند. هزاران ماهی و پرند در مرداب‌های فازیان در خطر نابودی قرار گرفتند. مسئولان محیط زیست در شهر تهران هشدار می‌دهند که مقدار مونواکسید کربن و میدروکربورهای نسوخته و دیگر گازهای سمی که اتومبیل‌ها تولید می‌کنند هر ساله بالای رود و اگر هر چه زودتر تدابیری اساسی اندیشیده نشود، دیری نخواهد پایید که تهرانی‌ها با فاجعه روبرو خواهند شد. البته با افزودن دود کارخانجات و آلودگی‌های ناشی از انباشت زباله در سطح شهر و دود حاصل از بخاری‌ها و آبگرم‌کن‌ها و شیره ابعاد فاجعه وحشتناک‌تر می‌شود، باران سیاه بر تهران فرو می‌بارد.

کشتی نفتکش فول پیکر امریکایی در سواحل آلاسکا به گل نشست و به هلت شکافتن بدنه آن هزاران تن نفت خام به دریای خلیج و منطقه‌ای عظیمی از سطح آب را نفت پوشاند. میلیون‌ها موجود دریایی نابود شدند. بدلیل آلودگی شدید، استفاده از آب رودخانه می‌سی‌سی‌پی در ایالات متحده امریکا برای امور زراعی و آشامیدن خطرناک اعلام شد. انفجار یکی از راکتورهای نیروگاه هسته‌ای چرنوبیل در اتحاد شوروی زمین‌های اطراف را تا شعاع وسیعی برای ده‌ها سال غیرقابل استفاده کرد.

بی‌مسئولیتی رهبران منطقه، آمودریا را به خندق فاضلاب تبدیل کرده است. یکی از اهالی محل می‌نویسد: "هرگز فکر نمی‌کردم که زادگاه من به لحاظ اکولوژیک منطقه مصیبت‌زده اعلام شود. خشک شدن دریاچه اورال بر آب و هوای منطقه تاثیر نامطلوب گذارده و در آینده نزدیک آثار آن

شدیدتر ظاهر خواهد شد. زیان‌آورتر از آن آلودگی شدید آب رودخانه آمودریاست که اهالی نه تنها از آن برای آبیاری، بلکه برای آشامیدن نیز استفاده می‌کنند... رودخانه تبدیل به خندق کثیف فاضلاب شده است." نشت تشعشعات رادیواکتیو از راکتور اتمی یکی از نیروگاه‌های برق اتمی آلمان غربی که تنها یک سال و نیم پس از وقوع حادثه اعلام بیرونی شد، منطقه وسیعی را آلوده ساخت. به دلیل کمبود آهنی کافی در دیگر نیروگاه‌های اتمی این کشور و دیگر کشورهای غربی، احتمال تکرار حادثه منتفی نیست.

در چین نسبت به آلودگی آب‌های جاری این کشور هشدار داده شد، زیرا همه ساله ۲۴/۲ میلیارد تن زباله وارد این آب‌ها می‌شود. نابودی جنگل‌ها در این کشور به عنوان یکی از منابع اصلی فقر محیط‌زیست ذکر شده است. هلیکوپتر انتقال کارخانجات کثیف یعنی آلوده‌کننده محیط‌زیست به کشورهای در حال رشد، فضای سبز و آب‌های کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری قادر به جبران اکسیژن از بین رفته در هوای این کشورها نیست. این هوای آلوده پس از جابه‌جایی به کشورهای در حال رشد، اکسیژن خود را بازمی‌یابد. اینهم از گونه‌های استعمار اکولوژیک. بازم می‌توان نقل اینگونه اخبار را ادامه داد و از گرم‌تر شدن هوای کره زمین و آثار سو‌ناشی از آن، آسیب به لایه اوزون اتمسفر و غیره سخن گفت، اما امروز بحث بر سر وجود یا عدم وجود بحران اکولوژیک و یا ابعاد آن نیست. ابعاد فاجعه وحشتناک‌تر از آنست که دیگر نیازی به بحث باشد، مساله اینک تشخیص هلال و راه رفع آن می‌باشد.

دلایل زیادی مثل سهل‌انگاری‌ها، اشتباه محاسبات و برنامه‌ریزی‌های نادرست و غیره در رابطه با توضیح آلودگی محیط زیست مطرح می‌شود. اما آنها نمی‌توانند توضیح‌گر و عامل اصلی بحران اکولوژیک باشند، بلکه تنها نقش تشدیدکننده خواهند داشت. جهت راه‌یابی به حل مساله بایستی آن هلت اصلی و حلقه اصلی ریافت

که مجموعه عوامل فوق بر بستر آن هم‌گردد و انسان امروزین را در آستانه یک خطر جدی قرار داده است.

تنظیم رابطه انسان با طبیعت یا به عبارتی مساله محیط‌زیست بطور ارگانیک با مسایل اقتصادی درهم می‌آمیزد و حلقه اصلی و راه حل مساله نیز در همین جاست. مرحله پیشین رشد و تکامل اقتصادی بدنبال انقلاب صنعتی که صدها سال طول کشید، دستاوردهای حیرت‌انگیزی برای بشریت به ارمغان آورد. با تکیه بر تکنولوژی که امروزه ابتدایی نامیده می‌شود، بازار از کالاها انباشته شد. موسسات عظیم استخراجی، فلزگدازی، شیمیایی و غیره ایجاد گردید. آنچه مطرح بود "تولید بیشتر" و بالابردن "کمیت" بود. همه چیز بی‌حساب و کتابی به هر صدها تولید گشاده شد. جنگل‌ها نابود شدند، رودخانه‌ها آلوده گردیدند و... پدیده‌های بحرانی نمی‌توانست شکل نگیرد.

حاصل آنکه، اینک خطر سانحه عظیم صنعتی کمتر از خطر جنگ گرما-هسته‌ای نیست. ۱۰ میلیارد تن سوخت قابل اشتعال و انفجار استخراج می‌شود. انفجار آن معادل انفجار زرادخانه‌های هسته‌ای است. عناصر شیمیایی مثل آرسنیک، باریوم، آمونیاک و غیره در چنان حجمی انباشته شده که خطر مرگبار آن دوبار بیشتر از مواد رادیواکتیو انباشته شده است. باید توجه داشت که اینها شامل سلاح‌های شیمیایی و مصارف نظامی نیست و تنها مصارف صنعتی را شامل می‌شود.

طبیعی است که نمی‌توان هواقب بحرانی این مکانیسم تولید را تنها در بحران اکولوژیک خلاصه کرد. بحران انرژی، بحران خواروبار و مساله نیروی کار و ده‌ها مساله اجتماعی و فیزیکی مجموعه هوارضی است که تحت تاثیر چنان شکلی از رشد و تکامل اقتصادی بوجود آمدند که می‌بایستی مجموعه‌ها ریشه‌یابی و چاره‌جویی شوند. بحران اکولوژیک به همراه دیگر موارد بحرانی پیش از همه مربوط به برخورد سنتی به

تولید می‌شود. پاسخگویی به این مسایل ضرورت برخوردی اساسی به امر تولید را ایجاب می‌کند. می‌بایست شیوه‌های سنتی تولید دگرگون شود. این بار نه مساله "کمیت" و "چندی"، که "چگونگی" و "چونی" آن مطرح می‌گردد. انقلاب علمی-فنی و به عبارتی انقلاب تکنولوژیک امکان این تحول را بوجود آورد. بر این اساس اینک کمیت تولید نیست که شاخص رشدیافتگی و پیشرفته بودن است، بلکه کیفیت و هواقب اجتماعی و مادی آن مورد توجه قرار می‌گیرد.

استفاده از شیوه‌های جدید تولید تنها تعداد معدودی از کشورهای جهان را شامل می‌شود. گسترش دستاوردهای علمی و فنی کشورهای پیشرفته صنعتی به کشورهای در حال رشد که اساساً شرایط کاملاً متفاوتی قرار دارند، در جهت حل مجموعه مسایل مطرح شده و از جمله بحران اکولوژیک امری ناگزیر است. در این راستا اولین گام تحقق نظم نوین اقتصادی در دستور قرار می‌گیرد. بدون ایجاد مناسبات اقتصادی عادلانه و نوین میان همه کشورهای جهان تلاش برای حل بحران اکولوژیک و دیگر اشکال بحران، ادعاهایی بیش نخواهد بود.

جنبش‌های اکولوژیک یا جنبش‌های دفاع از محیط‌زیست به بخش تفکیک‌ناپذیر شمای سیاسی جهان تبدیل شده‌اند. این تلاش و مبارزه خلق‌ها است برای دفاع از فردای خود و بازسازی مناسبات هماهنگ میان انسان و طبیعت. این جنبش‌ها بطور خودبخودی بوجود آمده و به احزاب و سازمان‌های سیاسی توده‌ای تبدیل می‌شوند. مبارزه برای حفظ محیط‌زیست با مبارزه علیه جنگ و برای صلح و برای تحقق نظم نوین اقتصادی پیوند می‌یابد و همه نیروهای دمکراتیک و مترقی جهان را در جنبشی عظیم گرد می‌آورد. در هر جایی و هر شرایطی در دفاع از آرمان‌های عموم بشری باید به این جنبش عظیم پیوست. جنبش کمونیستی جهانی نیز می‌رود که سهم شایسته خود را در این مبارزه بر عهده گیرد.

نگاهی به رویدادها در جمهوری خلق چین

"امروز باید پرداخت، فردا گرانتر خواهد بود!"

بقیه از صفحه ۱۶

شخصیت‌های رهبری حزب و دولت را مورد اهانت و تهاجم قرار دهند."

ارگان حزب کمونیست چین در ادامه می‌نویسد: "این توطئه‌ای از پیش طراحی شده است. تلاش برای ایجاد ناآرامی است و محتوای آن زیر سؤال بردن رهبری حزب کمونیست چین و نظام سوسیالیستی در اساس است. سخن بر سر درگیری سیاسی همه‌جانبه‌ای است که تمامی حزب مردم تمام ملیت‌های ساکن چین در مقابل آن قرار دارند. اگر در برابر چنین ناآرامی‌هایی بی‌عمل مانده، دست روی دست گذاریم، آنگاه امکان ایجاد مخاطره جدی در حفظ نظم و گسترش هرج و مرج بوجود می‌آید. باین امر رفرم‌های موردنظر و امید همه مردم، از جمله جوانان و دانشجویان، هم‌چون حباب صابون خواهد ترکید."

"رن مین ریائو" در خاتمه خواستار برخورد قاطع با کسانی می‌شود که به "پخش شایعه‌ها و تحریف‌ها می‌پردازند" و می‌نویسد: "گردهمایی‌ها و راه‌پیمایی‌های غیرقانونی باید ممنوع شوند، ارتباط‌های مخفی میان واحدهای تولیدی، روستاها و دانشگاه‌ها باید قطع شوند. با آنهایی که خشونت به‌کار می‌برند، خسارت وارد می‌سازند و قمارت می‌کنند، باید قاطعانه با تمام امکانات حقوقی مقابله شود."

در همین حال در روزهای اخیر اعلام شد که دولت چین برای مذاکره با دانشجویان آماده است. دانشجویان در پاسخ خواستار مذاکره دولت نه تنها سازمان‌های رسمی دانشجویی، بلکه هم‌چنین با کمیته‌های بوجود آمده در روزهای اخیر شده‌اند.

برای درک پیچیدگی شرایط در چین باید به برخی روندها در گذشته بازگشت. چین جزو اولین کشورهای سوسیالیستی بود که پدیده‌ای به نام رفرم در نظام سوسیالیستی را (بدون توجه به درستی یا نادرستی روش‌های پیش‌گرفته شده) مورد توجه قرار داد. حزب کمونیست چین تحت عنوان "رد راه اتحاد شوروی" برای ساختمان سوسیالیسم این یا آن روش را برای ساختمان

سوسیالیسم "تحت شرایط چین" در پیش گرفته است. گرایش به رفرم پس از دوران کیش شخصیت مائوتسه‌تونگ و شرایط وحشتناک "انقلاب فرهنگی" (که به قیمت جان میلیون‌ها انسان تمام شد) تبارز یافت. اکنون با رویدادهای هفته‌های اخیر به نظر می‌رسد، رهبری چین جایگاه پیشین خود در زمینه درک ضرورت انجام اصلاحات را از دست داده است. نگاهی همیق‌تر به خواست‌های دانشجویان و محتوای سیاست‌های حزب کمونیست و دولت چین گویای این مدعا است.

از همین زاویه نمی‌توان با این ارزیابی "رن مین ریائو"، ارگان حزب کمونیست چین مبنی بر وجود "توطئه‌ای از پیش طراحی شده" و "تلاش برای زیر سؤال بردن نقش رهبری حزب و نظام سوسیالیستی" موافق بود. از یکسو محتوای خواست‌های دانشجویان (که براساس گزارش‌های مختلف حمایت مردم را نیز جلب



دانشجویان در حال نصب یک روزنامه دیواری

کرده‌اند) و از سوی دیگر گستردگی راه‌پیمایی‌ها بازتاب دهنده منافع "مشتی عناصر مخرب" نیستند. طبیعی است جهان سرمایه‌داری، سازمان‌های جاسوسی و خرابکار قرب تمام امکانات خود را برای ایجاد آشوب و سازمان‌دهی عناصر ضدسوسیالیست به‌کار می‌گیرند. رویدادهای جمهوری شوروی گرجستان، جمهوری فدراتیو کوزوودر یوگسلاوی گواه این امر هستند، اما خواسته‌ها و نیازهای واقعی مردم در اعتراضات انجام یافته را نمی‌توان با ارائه چنین ارزیابی‌هایی نادیده گرفت.

پس از "انقلاب فرهنگی" حزب کمونیست چین هدف نوسازی در چهار هرصه کشاورزی، صنعت، علم و ارتش را اعلام کرد. محتوای سیاست‌های به‌کارگرفته شده در این چهار هرصه را گسترش اقتصاد غیرمتمرکز و خصوصی و رشد گرایش سودخواهی تشکیل می‌دادند. پیشبرد نامتوازن و

یک‌جانبه این روش‌ها در اقتصاد سوسیالیستی در کشور با حد عقب‌ماندگی چین و دارای توده‌های عظیم دهقانی، دارای هواقتی منفی نیز بود. در همین رابطه دولت برای قلبه بر بحران اقتصادی سیاست صرفه‌جویی را در پیش گرفت. "رن مین ریائو" ارگان حزب در تبلیغ این سیاست نوشت: "امروز باید پرداخت، فردا گرانتر خواهد بود."

رهبری چین اندیشه نوسازی در چهار هرصه نام‌برده را اعلام کرد و در راه اجرای آن اقدام نمود. اما یک هرصه اساسی نادیده گرفته شد: گسترش دموکراسی در جامعه و شرکت وسیع و واقعی مردم در تعیین سرنوشت خویش! پیشبرد نوسازی بدون گسترش دموکراسی در هرصه‌های اجتماعی و سیاسی پدیده‌ای متضاد است. این تضاد در چین وجود داشت و ژرفش یافت. امکان واقعی برای شرکت وسیع مردم در تعیین سیاست و هدایت کشور فراهم نشد.

هو یائو بانگ در دوران رهبری خود بر حزب کمونیست برای قلبه بر این تضاد گفته بود: "بالاخره زمان آن رسیده است که حزب به این درک دست‌یابد که گارد قدیمی دیگر نباید همه چیز را تعیین کند." "گارد قدیمی" از زبان لی‌پنگ، رئیس‌جمهور کشور، به شیوه کلاسیک مائوتیستی پاسخ داده بود: "اولین امواج مرکز از امواج بعدی عقب نخواهند ماند." هو یائو بانگ در سال ۱۹۸۷ از مقام خود برکنار شد.

به نظر می‌رسد بخشی از رهبری حزب و دولت از گسترش دموکراسی در کشور در هراس است. به‌ویژه وقتی در نظر گیریم زمانی که در مورد انتخابات اخیر نمایندگان مردم در اتحاد شوروی در چین سخن گفته شد، مطبوعات و وسایل ارتباطی چین حتی یک کلمه پیرامون این امر ننوشتند که ۲۵ درصد از کاندیدهای حزب کمونیست اتحاد شوروی و از جمله برخی از شخصیت‌های پربا و برجسته حزبی، انتخاب نشدند.

شاید بتوان جمله ارگان حزب، "رن مین ریائو" را خطاب به حزب و دولت، در هرصه گسترش دموکراسی در جامعه تکرار کرد که: "امروز باید پرداخت، فردا گرانتر خواهد بود!"

مصاحبه با فیلیپ هرز وگ - عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست فرانسه

“اروپا را به گونه‌ای دیگر بنا کنیم!”

مثل کبک سر خود را دربرف فرو کنیم، باید هلت وجودی آن را درک کرده و برای تغییر آن دست به کار شویم. اگر نیروهای سرمایه‌دار خود را به این صورت سازماندهی می‌کنند مطمئناً این کار را برای اعمال تسلط قدرت‌های بزرگ، برای استثمار زحمتکشان و سودهای بالاتر انجام می‌دهند، اما در همین حال این کار بیانگر پاسخ خاصی آنان به ضرورت‌های همکاری بین‌المللی در شرایط انقلاب اطلاعاتی و انفورماتیک است. بنابراین باید به این ضرورت‌ها پاسخ گفت، پاسخی در تقابل با سیاست سرمایه، پاسخی که ما را در پیشاپیش خواست‌های مردم قرار می‌دهد. در غیر این صورت مردم بدرستی تصور خواهند کرد که ما این ضرورت‌ها را درک نمی‌کنیم. بنابراین بحث‌های کلی در مورد تعاون فایده‌ای دربر نخواهد داشت. باید این موضوع را به مسائلی مشخص در جنبش و در اذهان مردم تبدیل کرد. ما در کنگره ۲۶ حزب کمونیست فرانسه تصمیمات معینی اتخاذ کردیم: از یک طرف، تلاش در جهت برقراری امنیت و تعاون در سراسر اروپا، از اتیانوس اطلس گرفته تا کوه‌های اورال، از طرف دیگر مقابله با برنامه‌های سرمایه‌دارانه جامعه مشترک اروپا و تغییر آن در زمینه‌های مختلف (نظام پولی، سیاست کشاورزی مشترک و غیره). من فکر می‌کنم می‌توان به وضوح گفت که ما یک اکثریت را مشخص برای اروپای غربی ارائه می‌کنیم، بدون آنکه خود را در چارچوب نهادهای موجود محصور سازیم. در همین حال ما برای حل مسائل در سطح کل اروپا دست به ابتکار عمل می‌زنیم. این تلاش‌ها (در سطح اروپای غربی و اروپا) مکمل یکدیگرند. ما خواهان گسترش روند کنفرانس هلسنکی هستیم. در اروپای غربی مسائلی هست که می‌تواند و باید با همکاری اتحاد شوروی حل شود. اما مسائل دیگری نیز هست که اساساً بدون همکاری با اتحاد شوروی حل می‌شود و تأخیر بردار نیست. مسائلی از قبیل بورس‌بازی،

خطر جنگ اقتصادی، تزلزل موقعیت و طرد کارگران و غیره. اما به همان میزان که باید با این سازماندهی سرمایه‌دارانه مقابله کرد، به همان میزان نیز اصل گردش خردمندانانه اطلاعات و منابع در سطح بین‌المللی برای پاسخ‌گفتن به نیاز خلق‌ها اصلی اساسی است که ما از آن دفاع می‌کنیم. این امر مستلزم شکل جدیدی از تسلط خودی در هر صده ملی و مستلزم قدرت کارگران در کاربست معیارهای نوین مدیریت در امور بین‌المللی است، بطور اخص، تحقیق علمی مستلزم گسترش اطلاعات در هر صده بین‌المللی برای ایجاد ثروت‌های جدید و بهبود زندگی است. نباید هر صده مبادلات بین‌المللی را در اختیار شرکت‌های چندملیتی خصوصی و معیارهای سودجویانه آنان قرار داد. باید خواست خلق سلاح را با خواست تعاون و همکاری بین ملت‌ها بر اساس سوددهی اجتماعی و مزیت متقابل برای خلق‌ها در زمینه ثروت‌های جدید و اشتغال همراه ساخت.

پرسش - کتاب شما چنین تعاونی را نخست در چارچوب اروپای غربی پیشنهاد می‌کند. این نکته جدیدی است. آیا این امر با مبارزه علیه برنامه‌های جامعه مشترک اروپا در تضاد نیست؟

پاسخ - خیر، زحمتکشان و خلق‌های این قسمت از جهان با مسائل جدید و مشترکی روبرو هستند. گروه‌های سرمایه‌دار بیش از پیش خود را برای بهره‌برداری از بازار واحد آماده می‌کنند. کارفرمایان و نیروهای سیاسی حاکم بر مناطق مختلف فرانسه نیز چنین می‌کنند. دولت‌ها نیز هم‌لیق‌قم اختلاف‌هایشان به همین ترتیب عمل می‌نمایند. خانم تاجر با "افراملیت‌گرایی" مخالف است، اما با بازار واحد مخالف نیست، و انگلیسی‌ها در کلیه نهادهای جامعه مشترک مواضع جدیدی کسب می‌کنند. اتحاد شوروی، کوبا و بسیاری دیگر از کشورهای جامعه مشترک اروپا رابطه دارند. وقتی واقعی وجود دارد، حتی اگر به مذاق ما خوش نیاید، نباید

اجتماعی و ملی، ضرورت همکاری بین‌المللی برای بنای روابط اجتماعی مبتنی بر ارزش‌ها و معیارهای نوین را طرح نمود و پیش‌برد، ارزش‌ها و معیارهایی که با موازین سرمایه‌دارانه بازار مشترک تضاد دارند. اختلاف بین سندیکاها، بین احزاب کمونیست نباید مانع از این کار باشد، برعکس، این اختلافات باید ما را وادار سازند تا تماس‌ها و نزدیکی خود را در زمینه‌های مشخص اجتماعی، فرهنگی، مالی و سیاسی چند برابر کنیم. این به ما کمک می‌کند تا جدایی‌ها را پشت سر بگذاریم. بدون شک نزدیک کردن نیروها در فرانسه، اروپای غربی و فراتر از آن، بر این اساس هدف سیاسی دشواری است، ولی ناظر بر نیازی فوری است: زبان‌های ناشی از اقدام سرمایه‌دارانه کشورهای عضو بازار مشترک هم‌اکنون نیز بسیار گزاف و چشم‌انداز آن نیز تیره است. سردرگمی و پراکندگی کم نیست، اما اراده مبارزه نیز بالاست. برای آنکه مردم بتوانند به وضع خود سامان دهند، متحد شوند، نیرو بگیرند تا بتوانند سرمایه را در اروپای غربی بزانو در آورند، به یک چشم‌انداز بین‌المللی الکتروناتیو نیاز دارند. این هدف سیاسی در واقع مداوم بسیج توده‌ها برای ایجاد تغییرات سیاسی در فرانسه است. امروز این یک ضرورت تاریخی و بی‌ظنیر برای تأمین همبستگی بین‌المللی زحمتکشان و خلق‌هاست.

پرسش - چه عواملی امروز تعاون بین‌المللی خلق‌ها را تابه‌این حد ضروری می‌سازند؟

پاسخ - مقدم بر هر چیز شرایط تکنولوژیک و مالی جدید در هر صده بین‌المللی. سرمایه، شبکه‌ها و بازارهای بین‌المللی را برای به گردش انداختن اطلاعات و منابع مالی در مناطق مختلف جهان سازمان می‌دهد. شرکت‌های فول‌پیکر چندملیتی خصوصی و دولت‌های قدرتمند این حرکت را در دست دارند. خطر تشدید احتکار و بورس‌بازی و سرطان مالی بسیار زیاد است. همین‌طور

در سال ۱۹۸۶ سران کشورهای عضو بازار مشترک اروپا طرحی موسوم به اروپای ۱۹۹۲ یا بازار واحد را به تصویب رساندند. در ظاهر، هدف این طرح ایجاد یک رشته تغییرات نهادی از قبیل انتقال آزاد سرمایه‌ها، هماهنگ ساختن مقررات و قوانین مالیاتی و... برای تحکیم "اروپای واحد" در برابر آمریکا و ژاپن است. در واقع، این طرح تلاشی است برای تحکیم سلطه اقتصادی سرمایه‌های قدرتمند امپریالیستی بر کارگران و خلق‌های کشورهای اروپا.

اخیراً حزب کمونیست فرانسه کتابی تحت عنوان "اروپای ۱۹۹۲ چیزی دیگر به‌گونه‌ای دیگر بنا کنیم" به چاپ رسانده که در آن ضمن افشای ماهیت سرمایه‌دارانه و ضد‌مردمی "بازار واحد" پیشنهادات مشخصی برای بنانهادن اروپایی مکتبی بر همکاری و برادری خلق‌های اروپا و سایر نقاط جهان ارائه نموده است.

در زیر بخش‌هایی از مصاحبه فیلیپ هرز وگ، عضو هیئت سیاسی حزب کمونیست فرانسه و مولف کتاب مزبور که در شماره مارس نشریه ماهانه اقتصادی حزب "اقتصاد و سیاست" به چاپ رسیده، درج می‌گردد.

پرسش - هدف این کتاب چیست؟

پاسخ - این کتاب اساساً برای فعالیت اجتماعی و سیاسی برای توده‌های وسیع مردم نوشته شده است. ۸ ماه پیش هنگامی که کار روی این کتاب را شروع می‌کردیم، هدفمان بررسی اهمیت مساله اروپا و تدقیق نظرات‌مان در این زمینه بود. بسیاری از فعالین سندیکاها، فعالین سیاسی، دوستان و همکاران از ما می‌خواستند برای برخورد با مسائلی مربوط به اروپا نظرات خود را ارائه کنیم.

باین ترتیب مضمون سیاسی کار ما به تدریج تقویت شد. ما معتقدیم با بسیج نیروهای اجتماعی، سندیکایی و سیاسی که خطر اروپای واحد را می‌بینند و به چیز دیگری فکر می‌کنند می‌توان پروژه‌های سرمایه‌داری را با شکست مواجه ساخت و در جریان مبارزه مشترک، باتکیه بر پیشنهادات مشخصی که قادر به حل مسائل مشترک مردم فرانسه، اروپای بازار مشترک و سایر کشورهای است، می‌توان نیروها را به یکدیگر نزدیک کرد. به عبارت دیگر باید بادر نظر گرفتن مسائل

مترازل کردن موقعیت زحمتکشان، به هرز دادن تحقیقات هلمی مشترک، تاسیسات زیربنایی که در انحصار گروه‌های فول پیکر است، نفوذ آمریکا و ژاپن ... همه اینها در جامعه مشترک اروپا رخ می‌دهد و ضرورت عاجل آن است که فرانسوی‌ها، اسپانیایی‌ها، آلمانی‌ها و سایرین تعاون و همکاری ثمر بخش خود را در تقابل با آن قرار دهند.

پرسش - در مورد مضمون پیشنهادات، و در نتیجه در مورد انتقاد و از آنچه سرمایه دست اندرکار ساختن آن است، آیا نکات جدیدی در کتاب شماست؟

پاسخ - بسیار زیاد. لاقبل انتظار ما این است تجزیه و تحلیل دقیق این کتاب به درک آنچه سرمایه در جامعه مشترک اروپا دست اندرکار ساختن آنست، به درک هلت وجودی و همخوانی آن کمک می‌کند. این تجزیه و تحلیل سلاح لازم را برای انتقاد از تضادهای انفجار آمیز راه انتخاب شده توسط سرمایه فراهم می‌سازد. این تضادها هبارتند از به هرز دادن منابع، نامهمخوانی، نزاع و درگیری، و این همه با وعده و وعیدهای سرمایه در خصوص اروپای ۹۲ در تضاد قرار دارد. هدف ما دقیقاً هبارت از آنست که با تکیه بر پیشنهادات اکثرناتیوی که در جریان مبارزه طرح می‌شوند، دست به نوآوری بزیم. ما خواهان ایجاد روابط اجتماعی متضاد با روابط مورد نظر سرمایه هستیم. در هر کشور باید برای پاسخ گرفتن به مسائل مشخص مبارزه کرد، مسائلی از قبیل ایجاد اشتغال، آموزش، تامین اجتماعی، خدمات، حقوق زحمتکشان، سلطان مالی و

قدرت‌ها پیشنهاد ما آن است که نقاط اشتراک این مبارزات را برای نیل به دو هدف جستجو کنیم: دفاع و بسط تضمین‌های ملی، کاهش مداوم نابرابری‌های اجتماعی ساختاری در بین خلق‌های اروپا از طریق همکاری‌های جدید. این امر مستلزم چندین برابر شدن تماس و ملاقات بین کارگران و مردم در سطح کشورهای مختلف، در سطح مناطق، در سطح کارخانجات و غیره است. کارگران و سندیکاها باید حق هماهنگ سازی سیاست‌های خود در هرصه بین‌المللی را بدست آورند. ما خواهان همکاری‌های مولد،

تکنولوژیک و مالی جدید به منظور رشد فعالیت‌های اقتصادی و اشتغال و نیز مبادلات متقابل مفید هستیم. دگرگونی‌های مرتبط با پروژه اروپای مورد نظر سرمایه در سطح کارخانجات، در سطح خدماتی دولتی و در سطح مناطق، نتایج بی‌به دنبال داشته است. می‌توان نیروی زحمتکشانی را که علیه به هرز رفتن منابع مالی و انسانی، و برای همکاری واقعی متحد شده‌اند علیه آنها هدایت نمود. ابتدا باید همکاری در سطح کشور خود را بیاموزیم. اما در همین حین و بر همین اساس باید به هرصه بین‌المللی نیز بپردازیم. بخش دولتی باید در این میان نقش اساسی بر عهده گیرد. فاجعه‌آور است اگر اجازه دهیم شرکت‌های چند ملیتی خصوصی انحصار روابط اقتصادی بین‌المللی را در دست بگیرند.

ما خواهان تغییر ساختار مالی و پولی جامعه مشترک اروپا به منظور مقابله با بورس بازی انگلی و موقعیت ممتاز دلار و مارک هستیم. ما همچنین خواهان تعاون و امنیت در سطح کل اروپا و بخصوص خواهان گسترش روابط مسالمت‌آمیز بین غرب و شرق هستیم و تلاش‌های سرمایه‌داری برای نفوذ مالی و فرهنگی در کشورهای سوسیالیستی را محکوم می‌کنیم. ما برای تغییر روابط بین کشورهای اروپایی و کشورهای رو به رشد، در وهله نخست آفریقا، ارجحیت استراتژیک قائلیم. ما خواهان آنیم که صدای زحمتکشان و مردم در خصوص آنچه در جامعه مشترک اروپا در فراسوی آن رخ می‌دهد، بیش از این شنیده شود. این نبردی است تاریخی برای گسترش حقوق و قدرت آحاد انسانی و مجامع مختلف آنان. ما خواهان اعمال قدرت دموکراتیک زحمتکشان و مردم به صورت مدیریت خودگردان به منظور حفظ سلطه خودی در هرصه ملی و بازسازی روابط در بین ملت‌ها هستیم.

تعاون مستلزم آن است که حاکمیت ملی هر چه بیشتر تحکیم گردد، نه بر عکس آن. ما خواهان اصلاحاتی هستیم که به خلق فرانسه اجازه می‌دهد بر منابع و دستاوردهای ملی خود مسلط گردد تا از این طریق بتواند در هرصه بین‌المللی دست به ابتکار عمل بزند. در این خصوص ما

طرح‌هایی در مورد " فعالیت‌های مختلف " ارائه می‌کنیم و بر اهمیت همکاری‌های ملی و بین‌المللی نوین برای بخش دولتی تاکید می‌ورزیم. ما مکانیسم‌ها و تضادهای " فراملیت گرائی " را تشریح می‌کنیم و نشان می‌دهیم چگونه باید از نهادهای مشترک گوناگون تحت هدایت خلق‌ها و برای بنای مناسبات احتمالی جدید استفاده کرد.

پرسش - اما آیا می‌توان پروژه‌های سرمایه‌داران و رهبران دول سرمایه‌داری در جامعه مشترک اروپا را باشکست مواجه ساخت؟

پاسخ - آری، تکرار می‌کنم، برای آنکه پیروز شویم نباید صرفاً به انتقاد از آنچه آنها انجام می‌دهند، بسنده کنیم بلکه باید چشم انداز دیگری ارائه نمائیم. سردرگمی در بین مردم بسیار زیاد است. رهبران دست راستی و حزب سوسیالیست دست به مانور خواهند زد، حتی عقب نشینی خواهند کرد، تا بتوانند پروژه‌های خود را به نحو بهتری به مردم تحویل کنند. به عنوان مثال، فرانسو امیتران قول خواهد داد که دولت از فرانسوی‌ها حمایت و از هداالت اجتماعی دفاع خواهد نمود ... اما کدام دولت قادر به این کار است؟ همان دولتی که موجود و مشوق بورس‌بازی و ترازل موقعیت کارگران است؟ تنها راه برای دفاع از خود، برای تغییر و موفقیت هبارتست از تلاش برای گشودن چشم انداز مناسبات اجتماعی اکثرناتیو در روند مبارزه علیه اقدام سرمایه‌دارانه کشورها. پرسش - چرا کتاب به مسائل فرهنگی و مبارزه برای ارزش‌ها اهمیت بسیار زیادی قائل است؟

اعلامیه کمیته مرکزی

بقیه از صفحه ۲

پاسخ - چون مساله فرهنگ اهمیتی قاطع کسب می‌کند، همانطور که رئیس انجمن کارفرمایان فرانسه می‌گوید، برای او روند اقدام اروپایی مساله مرگ و زندگی و تحکیم نظام سرمایه‌داری است. برای ما این روند بُعد جدیدی است از مبارزه اجتماعی و انقلابی. " اسطوره وحدت دولت‌ها نباید بر اهمیت همکاری بین خلق‌ها سایه اندازد. " در طول تاریخ، قدرت‌های سلطه‌گر و رقیب از اسطوره وحدت علیه خلق‌ها بهره‌برداری کرده‌اند. وحدت و تعاون واقعی نمی‌تواند بر اعمال سلطه مبتنی باشد. برای مقابله با این سلطه‌ها و برای همکاری و تعاون، خلق‌ها باید اهمیت مسائل بین‌المللی، استراتژیک، اقتصادی و مالی را درک کنند: این کاری انقلابی و در همین حال عاجل است. ما معتقدیم مفهوم " خانه مشترک " که م. گارباچف آن را با هدف سازندگی مسالمت‌آمیز طرح نموده نیاز به تحقیق دارد. رهبران سرمایه‌داری می‌خواهند به روش خود این خانه را اشغال کنند. معیارهای سرمایه‌دارانه سودآوری، ارزش‌های سرمایه‌دارانه که توسط گروه‌های چند ملیتی و دولت‌ها ترویج می‌شوند، در اروپای غربی و فراسوی آن جای خود را باز کرده‌اند. نیروهای سوسیالیسم نباید صرفاً از سرمایه‌داری بیاموزند، بلکه باید آن را پشت سر بگذارند. سوسیالیسم، و ما که حامل آنیم، باید با قدرت تمام مبارزه سیاسی و فرهنگی برای پشت سر گذاشت سرمایه‌داری در هرصه مدیریت و سازماندهی را پیش ببریم. این وظیفه ماست. مردم بر این اساس در مورد ما تضاد خواهند کرد.

مصرف و مسکن کارگری و اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل مبارزه کنید. برای تثبیت روز کارگر، به مثابه روز تعطیل رسمی و برگزاری آزادانه جشن اول ماه مه پیگیرانه تلاش کنید. کارگران و زحمتکشان پیشرو!

برای تحکیم صفوف رزمنده طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، برای تامین اتحاد وسیع ترین اقشار خلق در مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه، برای گسترش پیوندهای بین‌المللی طبقه کارگر و تحقق آرمانهای شریف اول ماه مه، به صفوف سازمان سیاسی خود، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بپیوندید.

در اهتزاز باد پرچم اول ماه مه زنده باد طبقه کارگر ایران - زنده باد سوسیالیسم پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اول اردیبهشت ۱۳۶۸

پلنوم فوق العاده حزب کمونیست اتحاد شوروی

اکنون کمیته مرکزی با یک پارچگی بیشتری جهت پیش بردن نو سازی به کار خواهد پرداخت. به ویژه در شرایط حساس کنونی وظیفه کمیته مرکزی دشوارتر از همیشه است. در شرایط امروزی اتحاد شوروی که بازنگری اساسی به راه طی شده صورت می گیرد، رهبری حزب وظیفه سنگین تدوین و هدایت این امر را بر عهده دارد. میخائیل گارباچف بارها به این امر اشاره کرده بود که در شرایطی که بخشی از کمیته مرکزی به روند نو سازی بادی بینی می نگرد و با سیاست همومی حزب هم گام نیست، نقش هدایت گر و رهبری کننده کمیته مرکزی را کاهش داده، انرژی آن را به اتلاف می کشاند.

اکنون باید شاهد تحرک بیشتر کمیته مرکزی در هر صحنه تدوین سیاست و هدایت حزب و کشور بود. امری که در شتاب بیشتر تحولات ژرف در جامعه شوروی بازتاب خواهد یافت.

مدت ها قبل رهبری حزب را جهت تغییر ساختار کمیته مرکزی و کناره گیری آن بخش از اعضای آن که در روند نو سازی شرکت فعال ندارند، تحت فشار قرار داده، خواهان برگزاری این پلنوم شده بودند. میخائیل گارباچف خود در هفته های اخیر گفته بود: "پیش بردن نو سازی با شیوه های کهنه اداری امکان پذیر نیست." او از قول سازمان های حزبی گفت: "به ما انتقاد می کنند که روند نو سازی با کندی پیش می رود. این امر باید تغییر یابد." پس از انتخابات شورای نمایندگان خلق، در گزارش مربوط به نتایج این انتخابات نوشتیم که شکست ۴۰ درصد از کاندیداهای حزب کمونیست در انتخابات و به ویژه آن کاندیداهایی که نظر موافق نسبت به سیاست حاکم بر حزب و امر نو سازی ندارند، در درجه اول نشان گر حمایت مردم از سیاست حزب است و این امر ارگان های مربوطه حزبی را به خود مشغول خواهد ساخت.

انتخابات اخیر اشاره کرد و گفت: "این امر وضعیت را تغییر اساسی داده است."

در میان کسانی که از عضویت در کمیته مرکزی استعفا داده اند، نام شخصیت های رهبری کننده حزب و دولت در سال های طولانی به چشم می خورند. از جمله آندره گرومیکو، حیدر علی اف، سولومنتسف، سمیانین، ویکتور تیخونف (نخست وزیر آخرین سال های دوران برژنف)، باریکف و دمیرچیان رهبران برکنار شده احزاب کمونیست آذربایجان و ارمنستان، بوریس پونوماریف، فداسیف، الکساندروف رئیس سابق آکادمی علوم.

پیرامون این پلنوم کمیته مرکزی و کناره گیری یک سوم اعضای آن (تعداد اعضای کمیته مرکزی تاکنون ۳۰۱ نفر بود) هنوز اطلاعات دقیقی منتشر نشده است. آن چه روشن است این است که اعضای حزب و سازمان های پایه ای حزب از

پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی روز سه شنبه ۲۵ آوریل تشکیل شد. این پلنوم یک روزه کار خود را به تغییر سازمان دمی کمیته مرکزی اختصاص داد. در این روز ۱۱۰ نفر از اعضای کمیته مرکزی (۸۳ عضو ثابت، ۲۷ کاندید عضو) و ۱۲ نفر از اعضای کمیسیون بازرسی مرکزی طی اطلاعیه ای به کمیته مرکزی از مسئولیت های خود کناره گرفتند. میخائیل گارباچف در سخنان خویش در پلنوم به محتوا و کیفیت کاریکای اعضای کمیته مرکزی در ماه های اخیر اشاره کرد و گفت: "امیدوارم شما درک کنید که من وقتی درباره همه این مسائل صحبت می کنم، قصد تمجید از کار کمیته مرکزی و پیچیدن فعالیت آن در زورق "راندارم، نه، همه مادر این سالن تصویر واقعی کار کمیته مرکزی را همان گونه که هست می شناسیم." گارباچف در ادامه سخنان خویش به شکست برخی از شخصیت های حزبی در

تلاش افراطیون افغانی برای تحمیل گرسنگی به مردم



آینده کودکان افغانی دستخوش مصلح جنگ افروزان

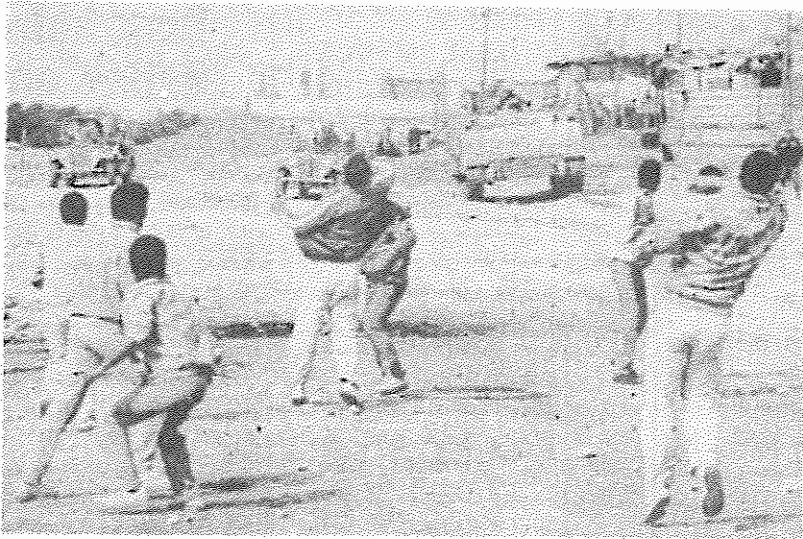
عملیات نظامی برای تسخیر جلال آباد در اوایل ماه مارس توسط مشاوران دولتی پاکستان طراحی شد. در این جلسات سفیر آمریکا در پاکستان شرکت داشته است و از مجاهدین افغانی هیچ کس در طراحی عملیات شرکت داده نشده است. یکی از مشاوران بی نظیر بوتو گفت شرکت مشاوران دولت پاکستان به این دلیل بوده است که مجاهدین افغانی پس از عقب نشینی نیروهای شوروی تاکنون هیچ گونه پیروزی نظامی بدست نیاورده اند.

وزیر دفاع افغانستان در مصاحبه ای با خبرنگاری باختر گفت اکنون زمان آن است که کناره گیری کار برد شیوه های سیاسی برای مقابله با اپوزیسیون مسلح، شیوه های نظامی را نیز گسترده تر به کار گیریم. " او که پیرامون حملات موشکی مجاهدین به شهرهای افغانستان و حمایت نظامیان پاکستانی و دولت هریستان سعودی گزارش می داد، ادامه داد: "نظامیان پاکستانی باید بدانند که به همان راحتی که مناطق مرزی کشور ما مورد حملات موشکی قرار می گیرد، مناطق مرزی پاکستان نیز می توانند مورد حملات موشکی قرار گیرند. تحمل ما مرز معینی دارد."

هدالوکویل وزیر امور خارجه افغانستان روز دوشنبه ۲۴ آوریل در شورای امنیت سازمان ملل متحد اعلام داشت، مجاهدین افغانی با اعمال محاصره اقتصادی شهرهای شرق افغانستان و کابل در تلاش تحمیل گرسنگی به مردم و افزایش فشار بر آنها هستند.

ارتش افغانستان در روزهای اخیر جاده پلنگ، که کابل را به مرز اتحاد شوروی وصل می کند، را مجدداً آزاد ساخت. بر اساس گزارش های مختلف، تحمیل گرسنگی به مردم کابل برخلاف انتظار ضد انقلاب نه تنها اراده مردم را سست نکرده، بلکه نفرت آنها را از این گونه اقدامات فزون ساخته است. وزیر امور خارجه افغانستان دوباره بر آمادگی دولت خود برای تشکیل دولت ائتلافی وسیع با شرکت تمامی نیروهایی که در جامعه افغانستان در میان بخش هایی از مردم پایگاه دارند، تاکید کرد. او گفت دولت افغانستان برای برقراری صلح و قطع خون ریزی از هیچ اقدامی فروگذار نخواهد کرد. دولت افغانستان از همه نیروهای ترقی خواه جهان خواست تمام تلاش خود را برای پایان یابی خون ریزی در افغانستان به کار گیرند. از سوی دیگر روزنامه "نیویورک تایمز" نوشت،

بزرگترین اعتصاب کارگری سال‌های اخیر در اسپانیا



ارتش اسرائیل باتانک و سلاح گرم به جنگ کودکان و نوجوانان رفته است
در روزهای ۲۲ و ۲۳ آوریل دو جوان در نوار فزه کشته شدند.

دو میلیون کارگر اسپانیایی از روز پنج‌شنبه ۲۷ آوریل وارد اعتصاب شدند. این اعتصاب که تا روز اول ماه مه به طول می‌انجامد با هدف افزایش مزد و اعتراض به سیاست‌های دولت سوسیالیست فیلیپ گونزالس، توسط سندیکا‌های کارگری سازمان یافت. پس از افزایش شکاف میان دولت و سندیکای سوسیالیستی U.G.T، این سندیکا در موضع اپوزیسیون قرار گرفته، به وحدت عمل با کمیسیون‌های کارگری (CCOO) پرداخته است. برای اولین بار برگزاری جشن اول ماه مه توسط این دو سندیکا متحد اعلام شده است. سندیکای U.G.T مردم را فراخوانده است، در انتخابات پارلمان اروپا به کاندیدهای حزب سوسیالیست رای ندهند.

تسلیم آفریقای جنوبی به سلاح اتمی توسط غرب

انستیتو بین‌المللی تحقیقات صلح در گزارشی که روز چهارشنبه ۲۶ آوریل انتشار داد، اعلام کرد ایالات متحده آمریکا، آلمان فدرال، فرانسه، انگلیس، اسرائیل و سایر کشورهای صنعتی غرب تحریم تسلیحاتی علیه آفریقای جنوبی که در سال ۱۹۷۷ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده بود را کاملاً نادیده گرفته‌اند و آشکارا انواع سلاح‌ها را در اختیار رژیم نژادپرست قرار داده‌اند. فراتر از آن آفریقای جنوبی دارای سلاح هسته‌ای شده است. این امر توسط قاچاقچیان اسلحه، جعل مدارک صدور تسلیحات و با توسل به تشکیل شرکت‌های «کاذب» صورت گرفته است.

۲۴ آوریل سالگرد کشتار دو میلیون ارمنی توسط دولت ترکیه

۵۵۰ هزار نفر از مردم جمهوری شوروی ارمنستان در ایروان به یادبود کشتار ارمنیان توسط دولت ترکیه در سال ۱۹۱۵ به راه‌پیمایی پرداختند. راه‌پیمایان با دسته‌های گل پیرامون بنای یادبود که روی تپه‌ای در ایروان قرار دارد، گرد آمدند. برای اولین بار روز ۲۴ آوریل در ارمنستان تعطیل رسمی اعلام شد. این تصمیم در سال گذشته توسط شورایی عالی جمهوری گرفته شده است.

نخست وزیر زلاندنو: کشور ما عاری از سلاح هسته‌ای خواهد ماند!

دیوید لانگ، نخست‌وزیر زلاندنو که مشغول دیدار از آمریکا است، طی مصاحبه‌ای در واشنگتن گفت کشور او سیاست حفظ منطقه‌های عاری از سلاح هسته‌ای را قاطعانه ادامه خواهد داد و به هیچ‌سازشی پیرامون این امر با آمریکا تن در نخواهد داد. او گفت مجازات‌های مهم‌جانبه علیه زلاندنو که از سال ۱۹۶۸ توسط آمریکا دنبال می‌شود، ظاهراً برای عبرت‌گیری سایر کشورهاست.

حمایت مالی آمریکا از ضدانقلاب نیکاراگوئه در انتخابات

ایالات متحده آمریکا در نظر دارد گروه‌های ضدانقلابی نیکاراگوئه را در مبارزه انتخاباتی (که در ماه فوریه ۱۹۹۰ برگزار می‌گردد) مورد حمایت کامل مالی قرار دهد. روزنامه «نیویورک تایمز» ضمن پخش این خبر افزود که ۲ میلیون دلار جهت چاپ پوسترهای تبلیغاتی و آگهی‌های سیاسی و برگزاری گردهمایی‌های انتخاباتی در نظر گرفته شده است. علاوه بر آن مبلغ ۱۰۰ هزار دلار که تاکنون سالانه برای انتشار روزنامه اپوزیسیون «لایرنسا» پرداخت می‌شد، به ۲۲۰ هزار دلار افزایش خواهد یافت. میزان ۱۷۴ هزار دلار نیز جهت آموزش گروه‌ها برای شرکت در مبارزه انتخاباتی و چگونگی پیشگیری تاکتیک‌های انتخاباتی در نظر گرفته شده است.



۸ سال جنگ در السالوادور: تصویری از وقایع و زمره

درگذشت هورست اشمیت رهبر حزب سوسیالیست متحده برلین غربی



جنبش بین‌المللی کمونیستی و کارگری یکی از برجسته‌ترین رزمندگان خود را از دست داد. رفیق هورست اشمیت، رهبر حزب سوسیالیست متحده برلین غربی روز یکشنبه ۲۳ آوریل پس از یک بیماری سخت و طولانی در سن ۶۳ سالگی درگذشت.

هورست اشمیت در ماه دسامبر ۱۹۲۵ در یک خانواده کارگری در برلین پایه‌جهان گذاشت. سال‌های بحران عمومی سرمایه‌داری و به‌مراه آن قدرت‌گیری فاشیسم هیتلری چهره خشن امپریالیسم آلمان را به او نشان دادند. او با وجود سن کم به جنبش مقاومت ضد هیتلری پیوست و با وجود اختناق وحشتناک فعالیت زیرزمینی خود را ادامه داد. پس از مدت‌ها تعقیب توسط جنایتکاران هیتلری، دستگیر و به اردوگاه کار اجباری فرستاده شد. بسیاری از افراد خانواده و نزدیکان او توسط فاشیست‌ها به قتل رسیدند. این تجربه‌های تلخ سال‌های جوانی تأثیری عمیق بر زندگی رفیق هورست گذاشته، در تمام طول زندگی او به‌مراه او بودند.

۸ ماهه ۱۹۴۵، روز رهایی جهان از فاشیسم، روز آزادی رفیق اشمیت نیز بود. پس از رهایی بلافاصله به جنبش دموکراتیک ضد جنگ و فاشیسم پیوست. در سال ۱۹۴۶ به عضویت حزب درآمد. در سال ۱۹۷۶ جانشین دبیر اول و

نگاهی به رویدادها در جمهوری خلق چین "امروز باید پرداخت، فردا گرانتر خواهد بود!"

به سوی میدان "صلح آسمانی" پرداختند. در این روز بیش از یک میلیون نفر از مردم پکن محل‌های کار خود را ترک کرده، در مسیر راه پیمایی گردآمدند.

دانشجویان خواست‌های خود را در هفت محور بیان داشته‌اند. از جمله این خواست‌ها دموکراسی گسترده و آزادی مطبوعات، مبارزه با فساد و رشوه‌خواری در درون حزب، انتشار میزان درآمد کادرهای حزبی و بیان روشن دلایل کنار گذاشتن هوئیائو بانگ، دبیرکل حزب تا سال ۱۹۸۷ و اعاده حیثیت کامل از او است. دولت چین تاکنون بارها خواستار پایان یابی راه پیمایی‌ها شده است و هر نوع گرد همایی را ممنوع اعلام کرده است. این امر از جانب "کمیته‌های دانشجویان" نادیده گرفته شده است. در همین حال با وجود حضور گسترده نیروهای انتظامی، هر دو طرف از کار بست خشونت‌ورز خودداری کرده‌اند.

روزنامه "رن مین ریائو" ارگان حزب کمونیست چین تظاهرات دانشجویی را شدیداً مورد حمله قرار داد. این روزنامه در سرمقاله‌ای تحت عنوان "با قاطعیت علیه شورش‌ها مبارزه کنیم!" به این مناسبت نوشت: "گرامیداشت یاد رفیق هوئیائو بانگ توسط دانشجویان، از سوی مشت‌های مخراب مورد سوءاستفاده قرار گرفته تا شعارهای ناسالم را گسترش دهند و با انتشار روزنامه‌های دیواری بقیه در صفحه ۱۱

اکنون بیش از دو هفته است پکن پایتخت جمهوری خلق چین شاهد تظاهرات عظیمی است که توسط دانشجویان دانشگاه‌های پکن سازمان‌یابی می‌شوند. کلیه کلاس‌های بیش از ۳۰ دانشگاه تعطیل شده‌اند. فراخوان‌های متعدد حزب کمونیست و دولت چین برای پایان یابی تظاهرات تاکنون بی‌نتیجه بوده‌اند و میدان "صلح آسمانی" در پکن هم‌چنان صحنه گرد همایی‌های بزرگ دانشجویان و مردمی است که با آنها ابراز همبستگی می‌کنند.

درگذشت هوئیائو بانگ رهبر سابق حزب کمونیست چین در روز شنبه ۱۴ آوریل ۱۹۸۹ آغازگر این حرکت دانشجویان بود. گرد همایی‌ها، انتشار روزنامه‌های دیواری و بحث‌های داغ میان دانشجویان که در هفته اول در محدوده دانشگاه‌ها صورت می‌گرفتند، در هفته دوم به خیابان‌های پکن کشیده شدند. "کمیته‌های دانشجویان" که در کنار سازمان‌های رسمی دانشجویی تشکیل شده‌اند، سازمان‌دهی حرکات اعتراضی را برعهده گرفته‌اند. یکی از دانشجویان سازمان‌گرفته یکی از خبرگزاری‌های غربی گفت: "ما برای انتقال نظرات خود به مردم و روشن‌گری در میان آنها به خیابان‌ها آمده‌ایم." روز چهارشنبه ۲۶ آوریل بیش از ۱۰۰ هزار نفر (و به گزارش خبرگزاری‌های غربی ۲۰۰ هزار نفر) از دانشجویان به راه پیمایی

خاندام کجاست

گزارش دریافتی از آتن در مورد وضعیت پناهندگان

چشم‌پایه را از هم بازمی‌کنند. در واقع در "کاروانسرا" شب و روز هیچ فرقی نمی‌کند. روزها از آفتاب و روشنائی زنده و شب‌ها از برق محروم است. وارد آشپزخانه که می‌شوی، می‌بایست بینات را با دستمال بگیری. بوی تعفن و نم بقدری شدید است که فیر از آن کاری نمی‌شود کرد. آسمان ابری نیست و سیل نیامده است ولی کف آشپزخانه را آب فرا گرفته است. بقیه در صفحه ۶

"متل کایروستی نامی آشنا برای هر پناهنده آواره دور از وطن - در آتن - است. هر تازه‌وارد قریب و ره‌گم کرده‌ای برای بی‌توجه کردن و انتظار، آنجا را سراغ می‌گیرد. کایروستی کجاست؟ - آنجا که خیل پناهنده‌ها زندگی می‌کنند. وقتی وارد - به‌گفته‌ی پناهنده‌ها - "کاروانسرا" می‌شوی قبل از هر چیز بوی گند و تندلش‌مرده مشامت را پرمی‌کنند. روز است ولی صحن تاریک متل

AKSARIYAT
NO. 255
MONDAY, 1 MAY 1989

حساب بانکی

AUSTRIA . WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید